

حیله‌های نفسانی

روش‌های پنهان و پیامدهای منفی آن

عبدالله بن عبدالعزيز العیدان | ترجمه: جمشید رخشانی



مرکز مطالعات متین

حیله‌های نفسانی |

حیله‌های نفسانی

روش‌های پنهان و پیامدهای منفی آن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حیله‌های نفسانی

(روش‌های پنهان و پیامدهای منفی آن)

نویسنده: عبدالله بن عبدالعزیز العیدان

ترجمه: جمشید رخشانی

ویراست اول: بهار ۱۴۰۴



مرکز مطالعات متین

MatinStudies.com

فهرست

مقدمه مترجم.....	۶
مقدمه نویسنده.....	۷
اهمیت این موضوع.....	۱۱
پیش‌درآمد.....	۱۵
موضوع اول: تنها مانع.....	۲۲
موضوع دوم: کمال کاذب.....	۴۵
موضوع سوم: بزرگ‌نمایی یک جنبه برای توجیه وضعیت خاص.....	۶۰
در پایان.....	۷۹

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه مترجم

با شکر و سپاس خداوند متعال، و سلام و درود بر محمد و آل و اصحاب او، اما بعد:
برای پیشرفت در دنیا و آخرت باید دشمن خود را به خوبی بشناسیم، و حیله‌های او
را به خوبی درک کنیم تا قادر به دفاع از خود در برابر آنها باشیم.

این کتاب به دشمن حقیقی هر انسان مسلمان یعنی شیطان می‌پردازد، و حیله‌های
نفسانی او را به خوبی بیان می‌کند. به این پرسش‌ها که: چگونه شیطان ما را فریب
می‌دهد؟ چگونه حیله‌های او را کشف کنیم؟ و راه علاج در مقابل این حیله‌ها
چیست؟

جواب این پرسش‌ها را در این کتاب خواهید یافت، پس تا پایان با ما باشید.

جمشید رخشانی

ریاض ۲۵ رجب ۱۴۴۶

مقدمه نویسنده

سپاس خداوند، پروردگار جهانیان، و درود و سلام بر برترین پیامبران و فرستادگان، پیامبر ما محمد (صلی الله علیه وسلم)، و بر خاندان و یاران گرامی او.

کتابخانه‌ها پر از کتاب‌های معاصر هستند؛ کتاب‌های فکری، تربیتی، اخلاقی و غیره. اما کتابی که واقعاً بر تو تأثیر بگذارد، مسیری زیبا در زندگی‌ات ایجاد کند، تو را زنده کند، افکار ذهنت را اصلاح کند، اهداف بلندپروازانه‌ات را هدایت کند، تو را به اوج برساند، قلبی مؤمن برایت بسازد، روحی درخشان در تو پدید آورد و شخصیتی نو برایت خلق کند... به گمان من چنین کتابی بسیار کمیاب است، و تعداد تألیف و نشر آن اندک...!

اما کتاب «حیله‌های نفسانی» نوشته نهاد درویش، گمان می‌کنم همه آن دستاوردها و سودها را به تو ارائه می‌دهد و آن مفاهیم و ارزش‌ها را برایت خلق می‌کند.

این کتاب گران‌بهای ایمانی و تربیتی بی‌نظیر - با وجود حجم کوچک آن - توانسته است به‌طور ویژه بر موضوعات بسیار مهم تمرکز کند، و بیماری‌های روانی واقعی را آشکار سازد. این مسائل را با رویکردی مبتنی بر اصول شرعی و در عین حال ساده و عقلانی بررسی کرده است، به گونه‌ای که به نظر من، این کتاب یک اثر منحصربه‌فرد

حیله‌های نفسانی

در زمینه تغییر فردی و تزکیه ایمانی محسوب می‌شود، و هیچ زن یا مرد مسلمان نباید از خواندن آن بی‌نیاز باشد.

به دلیل ویژه بودن این کتاب و بهره‌های فراوانی که از آن برده‌ام، دوست داشتم آن را به کسانی که هنوز آن را نخوانده‌اند معرفی کنم و برای کسانی که آن را خوانده‌اند بازنگری و بهره‌برداری مجدد ارائه دهم. این کار را با توضیح بیشتر افکار اصلی کتاب، پیوند دادن حقایق و مفاهیم کلی آن با زندگی ایمانی، تربیتی و دعوی‌مان، و آوردن مثال‌های واقعی انجام می‌دهم تا کتاب برای مخاطبان قابل فهم‌تر و تأثیرگذارتر باشد.

بنابراین، من اطمینان دارم که هر کسی که به دنبال تربیت و تزکیه است؛ از آگاهی و مطالعه چنین آموزه‌های عمیق تربیتی و افکار نوین بسیار خوشحال خواهد شد، زیرا این موارد به او کمک خواهد کرد - به لطف خدا - تا در مسیر تحقق وجود خود در این دنیا و ادای رسالت الهی نیکو پیش برود، و درجاتش را در اصلاح فردی ارتقاء دهد، او را به بهترین درجات ایمان برساند و در روز قیامت، بالاترین درجات بهشت را نصیبش سازد.

حتی طلاب علم شرعی و دعوتگران به سوی خداوند متعال با توجه به مقام بلند و جایگاه رفیع‌شان، و نقش پیشگامانه‌شان در امت اسلامی، و هرچقدر که هر کدام از آن‌ها گمان کنند که در علم و عمل و دعوت به سوی خدا به درجه بالایی رسیده‌اند؛

حیله‌های نفسانی |

باز هم هیچ‌کس از آن‌ها بی‌نیاز نیست که قلب و عقل خود را به روی استفاده از هرگونه تجربه‌های تربیتی که به او می‌رسد، یا بینش‌های رشدی که به او کمک می‌کند تا مسیر فکری و حرکتی خود را اصلاح کند، بگشاید.

این امر او را به سوی گام‌هایی در جهت پیشرفت و تعالی ایمانی، و سطوح برجسته تربیتی و اخلاقی سوق خواهد داد. زیرا او در این کتاب گران‌بها خواهد یافت که چه بیماری‌های پنهانی به او روی آورده است، یا به چه کمبودهای عملی یا رفتاری دچار شده، و چه راه‌های متعددی برای درمان و بهبودی از آن‌ها وجود دارد. موضوعات دوم و سوم به‌ویژه در این کتاب گواهی است بر نیاز شدید همه به چنین خواندن‌ها و بازنگری‌ها.

به همین دلیل و به خاطر تمام این موارد، شیطان با تمام توان تلاش می‌کند مسلمان را در نادانی نگه دارد، و او را با هروسیله‌ای از علم شرعی، آگاهی تربیتی، و مجاهده نفسانی دور کند، تا او را در دایره سستی عملی و تسویف نفسانی نگه دارد.

چه نیکو گفته است امام ابن جوزی رحمه الله در کتابش «تلبیس ابلیس» درباره این حقیقت:

حیله‌های نفسانی |

(نخستین فریب شیطان بر مردم این است که آنان را از علم بازدارد، زیرا علم نور است، و هنگامی که چراغ‌هایشان را خاموش کند، آنان را در تاریکی، هر طور که بخواهد سرگردان می‌سازد!).

و نیز در جای دیگری گفته است:

(شیطان به اندازه علم انسان بر او مسلط می‌شود، هرچه علم او کمتر باشد، تسلط شیطان بر او بیشتر می‌شود، و هرچه علم او بیشتر باشد، تسلط شیطان بر او کمتر خواهد شد).

در پایان...

تمام سپاس، تقدیر و دعای خیر نثار کسی که از این سطورِ روشنِ معرفتی بهره می‌برد، در اجرای آن شتاب می‌کند، و در آموزش و رساندن پیام رقابت می‌کند. و سپاس خداوند، پروردگار جهانیان.

اهمیت این موضوع

بدون شک، در دورهٔ اخیر شاهد نشانه‌های ظهور یک رویکرد جدید در درمان مشکلات متنوع خود - تربیتی، اجتماعی، تمدنی و غیره - هستیم. این رویکرد، در مقایسه با گذشته، آشکارتر و معتبرتر به نظر می‌رسد. این رویکرد به (جنبهٔ درونی) توجه دارد، یعنی بررسی عوامل درونی به جای انداختن تمام مسئولیت بر گردن عوامل بیرونی، هرچند که آن عوامل به ظاهر قوی و مسلط باشند.

این موضوع تأکید می‌کند که امروز گروه‌های قابل‌توجهی از مسلمانان به نقد واقعیت خود با عقلانیت و حکمت بیشتری پرداخته‌اند. آن‌ها اکنون عمده دلایل مشکلات و عقب‌ماندگی وضعیت خود را در برخی جنبه‌ها به خودشان و کوتاهی‌هایشان نسبت می‌دهند، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی.

اما عوامل خارجی، یا بهانهٔ تهاجم فکری غرب، یا نظریهٔ توطئه که می‌خواهیم با آن بسیاری از جنبه‌های کوتاهی‌های درونی خود را توجیه کنیم، نباید بیش از اندازه طبیعی به آن‌ها اهمیت دهیم. زیرا تأثیر آن‌ها از ۲۰ درصد دلایل واقعی فراتر نمی‌رود! این همان چیزی است که اصول دین، قوانین جهان و سنت‌های زندگی تأیید می‌کنند، بدون تحریف حقایق، فریب نفس یا تخدیر عقل.

خداوند متعال می‌فرماید:

{أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّى هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} [آل عمران: ۱۶۵].

ترجمه: (آیا وقتی مصیبتی به شما رسید که دو برابر آن را به دشمن رسانده بودید، گفتید این از کجاست؟ بگو: این از جانب خود شماست. بی‌گمان خدا بر هر چیزی تواناست).

و همچنین می‌فرماید:

{مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ} [النساء: ۷۹].

ترجمه: (هر خوبی که به تو می‌رسد از جانب خداست، و هر بدی که به تو می‌رسد از جانب خود توست).

و آیات دیگری و احادیث فراوانی این معنا را به طور گسترده مورد بحث قرار داده‌اند. نویسندگان می‌گویند:

مدت زیادی در سوالی که همیشه برایم مطرح بوده است، فکر کردم. این سوال این است: از آنجا که مقدمات صحیح تنها نتایج درستی به بار می‌آورد، همانطور که در معادله ریاضی گفته می‌شود: $2=1+1$.

حیله‌های نفسانی

و از آنجا که مقدمات ما به‌عنوان مسلمانان از نظر صحت عقیده و فکر، عبادت و سلوک، صحیح است پس راز این چیست که ما در حاشیه تاریخ و تمدن زندگی می‌کنیم... عقب‌مانده و در وضعیتی وخیم قرار داریم؟!

و به وضوح بیشتر: اگر دین ما - که الحمدلله - حق است، و عقیده ما صحیح است، و اخلاق ما عالی‌ترین است؛ پس چرا مسلمانان امروز در بسیاری از نقاط جهان در چنین وضعیتی ناصحیح در جنبه‌های مختلف قرار دارند: از جهل و فقر، ضعف ایمان، انحطاط اخلاق، ظلم و جنگ‌های داخلی، و تسلط نفرت، حسد و نژادپرستی بین آن‌ها؟! و غیره.

پاسخ قاطع به این پرسش این است که؛ تفاوتی وجود دارد بین اسلام به‌عنوان یک اصل والا و نظریه‌ای صحیح، و بین مسلمانان از نظر اجرا و عمل.

گاهی ممکن است بین نظریه و عمل هماهنگی و تکامل وجود داشته باشد، و گاهی نیز برعکس، تناقض و تضاد بین آن‌ها دیده شود، و در برخی مواقع چیزی شبیه به نزدیکی نسبی بین آن‌ها وجود داشته باشد!

اما بخش اول که شامل اصل و نظریه است؛ کاملاً روشن و بدون هیچ اشکالی است، زیرا دین خدا به صورت کامل و بی‌نقص نازل شده است و در کتاب خدا و سنت پیامبرش (صلی الله علیه وسلم) محفوظ و شناخته شده است.

حیله‌های نفسانی

اما بخش دوم که شامل اجرا و عمل است؛ موضوع بحث و محل گفت‌وگو و تبادل نظر ماست، که امیدواریم به خواست خداوند متعال پربار و مفید باشد.

و به نظرم رسید که از ارائه آنچه در توان دارم از این موضوعات ضروری و مسائل تربیتی، شروع کنم و ابتدا به بیان برخی درزهای روانی پردازم که به نظر من مسیر ما را در حال حاضر به صورت منفی مشخص می‌کنند. این درزها مانع از استفاده ما از ابزارهای ساده و در دسترس می‌شوند، و در نتیجه اثربخشی ما را محدود کرده و آن را مختل می‌کنند. همچنین باعث استمرار وضعیت فعلی ما از نظر تأخیر، رکود، و انحطاط می‌شوند، و به تنبلی فکری، ایمانی و عملی ما دامن می‌زنند که برایش توجیه و دلیل نیز ارائه می‌شود!

موضوع «حیله‌های نفسانی» را به عنوان راه‌ها و حیل‌هایی از شیطان مورد بررسی قرار دادم که از طریق آن‌ها به نفس بشری به طور عام و به ویژه به نفس مسلمان نفوذ می‌کند. این حیل‌ها باعث فلج شدن حرکت و فعالیت او می‌شوند، از پیشرفت علمی و ایمانی او می‌کاهند، و رشد اخلاقی و تمدنی او را محدود می‌کنند.

پیش‌درآمد

خداوند متعال می‌فرماید:

{إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا} [فاطر: ۶].

ترجمه: (بی‌گمان شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید).

برای کسی که در معنای این آیه تأمل می‌کند، دو جنبه مهم آن برای او پوشیده نخواهد ماند:

در جنبه اول، خداوند متعال دشمنی شیطان را تأیید می‌کند، و آن را به‌عنوان یک حقیقت قطعی بیان می‌کند، خداوند متعال می‌فرماید: **{إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ}** [یوسف: ۵]، ترجمه: (بی‌گمان شیطان دشمن روشن انسان است).

اما این یک حقیقت نظری و مجرد است که در زندگی ما ثمره‌ای نخواهد داشت، اگر به جنبه دیگر آن توجه نکنیم و آن جنبه عملی، کاربردی و رفتاری است. این جنبه باعث می‌شود حقیقت دیگری در ما شکل بگیرد که صداقت ایمان ما به باور نظری اول را ثابت می‌کند. آن جنبه این است: (پس او را دشمن بگیرید...).

کافی نیست که به‌صورت نظری شیطان را دشمن خود را بدانیم و صرفاً این باور را در ذهن خود داشته باشیم، هرگز! بلکه باید با رفتار، اعمال و گفتارمان با او دشمنی

حیله‌های نفسانی

کنیم، تا فرمان خداوند متعال را در بخش دوم آیه محقق سازیم؛ و آن این است که شیطان را در هر لحظه از لحظات زندگی‌مان و در تمام طول عمرمان دشمن آشکار خود بدانیم، همان‌گونه که خداوند فرموده است: (پس او را دشمن بگیرید).

ما از شیطان بر نفس‌های کافری که به خدا و روز قیامت ایمان ندارند، نمی‌ترسیم؛ زیرا او در درون آن‌ها زندگی کرده و جولان داده است. او اعمال زشتشان را برایشان زیبا جلوه می‌دهد و آن‌ها را از راه راست بازمی‌دارد، تا جایی که آن‌ها شیطان را پذیرفته و با او خو گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که او جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی، وجود و اعمالشان شده است.

اما تمام ترس ما بر بسیاری از نفس‌های مسلمان پاک است که برای شیطان آن‌گونه که باید و شاید، حسابی باز نکرده‌اند و به فکر و توجه لازم نپرداخته‌اند. بلکه حتی اگرچه به‌صورت نظری به آسیب‌پذیری خود در برابر نیرنگ‌ها و اغواگری‌های او اذعان دارند، چرا که معصوم نیستند، اما در عمل می‌بینیم که ورود شیطان به درون خود و تسلط او از راه‌های پنهانی را انکار می‌کنند؛ راه‌هایی که نامشان «حیله‌های نفسانی» یا «نیرنگ‌های شیطانی» است!

به همین دلیل گفته شده است: یکی از پلیدترین نیرنگ‌های شیطان در مکر و پنهان‌کاری، نفوذ او به نفس‌هایی است که گمان می‌کنند در برابر او ایمن شده‌اند، از اثرات او محافظت شده‌اند و در برابر نیرنگ‌هایش مصون هستند. این نفس‌ها

حیله‌های نفسانی |

هاله‌ای از اطمینان به وضعیت خود ایجاد کرده‌اند، در حالی که حقیقت ممکن است این باشد که شیطان بخشی از مسیرهای زندگی آن‌ها را هدایت می‌کند و آن‌ها را به جهاتی که خودش می‌خواهد می‌کشاند، چه خودشان متوجه این موضوع باشند و چه نباشند!

و بر اساس این حقیقت شگفت‌انگیز...

آیا شما - ای خواننده گرامی - معتقدید که واقعا در معرض افتادن به یکی از دام‌ها و تله‌های شیطان هستید؟ یا با اطمینان کامل باور دارید که از حیله‌ها و مکر او در امان و مصون هستید؟!

اگر پاسخ شما مثبت است و از این پرسش خوشحال شدید تا به دنبال پاسخ بگردید و در تلاش برای مقابله و دفاع باشید، گمان می‌کنیم که شما بر راهی هدایت‌شده و در مسیر خیر گام برمی‌دارید. اما با وجود قدردانی از این اعتراف، لازم است که پاسخ شما بر اساس واقعیت عملی باشد، نه تکیه بر آرزوهای نظری و خیال‌های شیرین.

اما اگر پاسخ شما منفی باشد یا در درون خود از مطرح شدن این پرسش و متوجه شدن این اتهام احساس خشم یا تمسخر کنید...! این احساس به نظر می‌رسد نشانه‌ای آشکار و روشن از افتادن شما در یکی از دام‌های شیطان باشد، چه خودتان آگاه باشید و چه نباشید.

حیله‌های نفسانی

به‌خاطر این جنگ شعله‌ور با دشمن، جنگی که هیچ‌گونه آرامش و توقفی ندارد و میدان آن قلب‌ها و روح‌های ماست؛ و حال و آینده ما را در بر می‌گیرد، بر ما واجب است که به چنین موضوعاتی بپردازیم که شکاف‌های پنهان در نفس مسلمان را بررسی می‌کنند، با هدف بیرون کشیدن او از این ضعف و سستی که او را فرا گرفته و خود از علت آن آگاه نیست! و از این سستی ایمانی و تربیتی که بر او چیره شده و به‌ندرت دلیلش را می‌شناسد!

این‌ها درزها و شکاف‌های رفتاری منفی و کاستی‌های تربیتی ناپسندی هستند که ما مسلمانان در زندگی روزمره خود انجام می‌دهیم. شیطان توانسته از طریق این شکاف‌ها به ما نفوذ کند، تا جایی که این وضعیت به‌گونه‌ای درآمد که گویی (طبیعت نفس ما) شده است. با گذشت زمان و طولانی شدن این حالت، دیگر احساس خطر از انجام بسیاری از کوتاهی‌ها و امور نهی‌شده نمی‌کنیم، و اشتباه بودن آن رفتارها و عادت‌هایی که به آن‌ها خو گرفته‌ایم را نمی‌بینیم؛ زیرا این موارد واقعاً به (طبیعت ثابت) شخصیت آن انسان تبدیل شده‌اند!

و نتیجه ناگوار همه این‌ها این است که این مسلمان نه اکنون و نه در آینده به فکر اعتراف به عیب‌های خود نخواهد افتاد، و نه به اصلاح آنچه ممکن است در آن دچار خطا شده باشد روی خواهد آورد!

حیله‌های نفسانی |

و چرا باید چنین کند؟ در حالی که از خود و کاستی‌هایش راضی است، و با وجود نقص‌هایی که او را گرفتار کرده، از وضعیت خود قانع است؟!

این موضوع را در ابهامی کامل نگه می‌دارد و سپس آثار منفی به تدریج بر صاحب آن ظاهر می‌شود.

علاوه بر این، او به مسئله دیگری نیز گرفتار می‌شود که شایسته یک مسلمان نیست، و آن ضعف در حرکت مثبت و سازنده و کمبود خدمت به جامعه، وطن و امت خود است؛ همان کسانی که از او انتظار مشارکت سازنده در عرصه‌های مختلف دارند. اما او تقریباً از آگاهی نسبت به نقش بزرگ خود و جایگاه والایش غافل است!

شیطان راه‌های متعددی برای نفوذ به این نفس دارد...

کافی است که سه مورد از آن‌ها را بررسی کنیم که به عنوان حیله‌های روانی شناخته می‌شوند و نفوذ شیطان به نفس را آسان می‌کنند:

۱- **مانع یگانه** (این حیله‌ای است که متوجه مسلمانی می‌شود که می‌خواهد

نفس خود را تزکیه کند، و حال خود را به بهتر تبدیل نماید، اما شیطان اغلب

او را از شروع در اجرای آن باز می‌دارد).

حیله‌های نفسانی |

۲- **کمال کاذب** (این حیله‌ای است برای مؤمنی که به مرحله پیشرفته‌ای از علم، ایمان و عمل رسیده است، اما شیطان او را به دلیل این بیماری خطرناک از تکمیل و رشد آن باز می‌دارد).

۳- **بزرگ‌نمایی یک جنبه برای توجیه وضعیتی خاص** (این حیله‌ای است برای کسی که ایمانش کامل شده، اما شیطان او را از دیدن یکی از شکاف‌های تربیتی یا فکری‌اش باز می‌دارد).

و بعدها، با آگاهی از جزئیات این سه حیله شیطانی درک خواهیم کرد که شمار زیادی از مسلمانان - حتی افراد صالح و شایسته از میان آن‌ها - بدون اینکه هرگز انتظار داشته باشند، در دام یکی از این حیله‌ها گرفتار شده‌اند!

با این همه، اگر ما (به انسان بودن خود اعتراف کنیم) و بپذیریم که در معرض خطا، غفلت و جهل هستیم و اینکه ناگزیر در فکر، ایمان و رفتار خود نقص‌هایی داریم، و بر ما واجب شرعی است که با تلاش فراوان برای تغییر آن‌ها، توبه و رهایی دائمی از آن‌ها بکوشیم، این تفکر، تفکری درست خواهد بود و این روحیه همان چیزی است که مورد نیاز است؛ زیرا خداوند متعال و پیامبر گرامی‌اش در بسیاری از نصوص بر آن تأکید کرده‌اند، و این هدف اصلی ما از این پژوهش است.

حیله‌های نفسانی |

اما اگر حقایق را انکار کنیم، بر واقعیت‌ها تکبر ورزیم و ادعا کنیم که شیطان هیچ راهی بر ما ندارد و ما همیشه از نیرنگ‌ها و مکر او مصون هستیم، این‌ها نشانه‌های خوبی نیستند. این علائم پنهانی تأیید می‌کنند که او در تسلط روانی خود بر ما موفق بوده است تا همچنان ما را دلسرد و سست کند، به گونه‌ای که هیچ‌یک از ما رسالت ایمانی خود را در درونش انجام ندهد، وظیفه آموزش و تأثیرگذاری پسندیده را در میان دیگران ادا نکند، و در بهشت به بالاترین درجات و مقامات آن دست نیابد! و واکنش ما اکنون، با شادمانی از این دیدگاه‌ها و پیشنهادها، و تصمیم جدی برای بهره‌گیری از افکار زیبا و فواید سودمند آن، یا روی گردانی و بی‌اعتنایی به آن‌ها، چیزی نیست جز گواهی روشن و عملی که تأیید می‌کند:

اعترافی زیبا...

یا انکاری ناپسند...

با این حال، هریک از ما آزادی انتخاب این یا آن را دارد.

اما نباید فراموش کنیم که نتایج و ثمرات انتخاب یکی از این دو کاملاً با دیگری متفاوت خواهد بود، هم در دنیای صاحب آن و هم در آخرت او.

موضوع اول: تنها مانع

نخست: ایمان، افزایش و کاهش می‌یابد.

افزایش ایمان و نشانه‌های تعالی آن در صاحبش از طریق آثار معنوی و نتایج عملی ملموس آن آشکار می‌شود، مانند:

۱. احساس شیرینی روانی و قلبی ایمان، زیرا ایمان لذتی دارد که اهل ایمان راستین آن را می‌چشند. همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: (ذاق طعم الإیمان ...)، ترجمه: (طعم ایمان را چشید...) (روایت مسلم).

۲. توجه ویژه فرد به نماز خود، تلاش برای خشوع در آن و قرار دادن نماز به عنوان نور چشمش.

۳. پایبندی به واجبات اصلی دینش، شتاب در انجام طاعات، همراه با احساس کوتاهی در برابر حق خداوند متعال و ترس از عدم پذیرش اعمالش توسط خداوند.

۴. بلندی اخلاق، حسن رفتار و نرمی قلب.

۵. تلاش در راه تحصیل علم، از طریق مطالعه، خواندن، تحقیق، نوشتن و صبر در برابر سختی‌هایی که به این خاطر متحمل می‌شود.

۶. فعالیت مستمر و بدون سستی برای خدمت به اسلام و مسلمانان، چه از طریق دعوت شخصی و چه از طریق ساختن خویشتن و جامعه.

۷. استفاده خوب از امکانات در دسترس برای انجام وظایف شرعی یا دنیوی خود، هر چند که وقت کمی داشته باشد، یا تلاشش همراه با ضعف باشد، یا امکانات مادی یا مالی او محدود باشند.

۸. فعالیت در هر کاری که به او سپرده شده و انجام آن با انرژی و خلاقیت.

۹. ذکر فراوان خداوند متعال، واستغفار و دعا.

این سطح ایمانی، فکری و رفتاری با تنوع ذکرشده همان چیزی است که - به گمان ما - هر مسلمانی باید به آن برسد، و در طول زندگی خود بر آن پایدار باشد، همراه با تلاش برای رشد و کمال بیشتر در آن.

در این حالات عالی اگر به سطح مثبت، خوب، و سرشار از افزایش، تنش مثبت، قدرت و سرزندگی برسند: **﴿حُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ﴾**، [اعراف: ۱۷۱]، ترجمه: **(آنچه را به شما دادیم، با قوت بگیرید)**، این چیزی است که خداوند عزوجل و پیامبر او صلی الله علیه وسلم آن را دوست دارند و می‌خواهند.

اما اگر این معانی مثبت ضعیف شوند و مظاهر منفی آشکار گردند؛ مانند سستی در جنبه‌های علمی و عبادی، ضعف در آداب و اخلاق، شیوع بیماری‌های قلبی مانند

حیله‌های نفسانی |

حسد، کینه، تکبر و خودپسندی، یا وابستگی به دنیا و درگیری بر سر آن، بدون شک این ایمان در معرض خطر قرار گرفته است و شروع به فرسایش و کاهش کرده است. این شرایط نیازمند آن است که برای این خلل چاره‌ای اندیشیده شود و آنچه ویران شده ترمیم گردد.

یا شاید انسان تصمیم بگیرد بار دیگر به اسلام پایبند شود، و آن را به عنوان روحی زنده در زندگی خود بپذیرد، و به عنوان یک روش کامل و جامع در زندگی‌اش به کار گیرد، نه به عنوان مفاهیمی خشک یا تعالیم به ارث رسیده از پدران و اجداد. او تصمیم می‌گیرد از زنجیر افکار غلط و عادات ناپسند رهایی یابد و با علم و تلاش خود، و با باورهای صحیح، شناختی آگاهانه و رفتارهایی والا ایجاد کند و آن‌ها را با اطاعت از خداوند متعال، با عشق، رضایت و ایمان قلبی اجرا کند.

دوم: موانع شیطان در برابر تغییر

او در قلب خود تصمیم به این تغییرات عالی گرفته است... و اراده کرده که مسیر زندگی خود را در تمامی جنبه‌ها به سوی بهترین و کامل‌ترین شکل ممکن اصلاح کند...

و به سوی پروردگارش از آنچه که مورد رضایت او نیست، توبه و بازگشت نماید. در این لحظه، این دشمن (شیطان) وارد عمل می‌شود..

و وضعیت اضطراری کامل را اعلام می‌کند...!

تا این پروژه خطرناک را متوقف کند..

و هر طور که شده، از آغاز این تغییر بزرگ جلوگیری نماید!

چگونه این کار را انجام می‌دهد؟

با کمال سادگی و آسانی...

مانعی را در برابر کسی که خواهان تغییر است، قرار می‌دهد و آن را به گونه‌ای به او

نشان می‌دهد که گویی تنها «مانع واقعی» است.

او با قسم‌های دروغین و گمراه‌کننده به او اطمینان می‌دهد که اگر این مانع از میان

برداشته شود،

می‌تواند به تمام آرزوهای والا و اهداف عالی خود دست یابد،

و به همه تغییرات و موفقیت‌هایی که آرزویش را دارد، برسد!

هدف بزرگ شیطان از این نقشه پراز حيله و نیرنگ چیست؟

این که حرکت او را متوقف کند،

و مسیرش را مختل نماید...

و وای به مکرو هوش فوق‌العاده او..

حیله‌های نفسانی |

که آن مانع به ظاهر تنها را به گونه‌ای نشان می‌دهد که واقعی و قابل قبول به نظر برسد؛

به شکلی که آن مانع را از دل زندگی، محیط، کار، شرایط خوب یا بد، موقعیت اجتماعی، مالی یا شغلی او استخراج می‌کند.

به عنوان مثال:

- پدر گمان می‌کند مانع او زمانی برطرف می‌شود که بتواند خانه‌ای مناسب برای خانواده تأمین کند، یا آن پسر را ازدواج دهد، یا شغلی خوب پیدا کند، یا ثروت کافی به دست آورد!

- مادر انتظار دارد مشکلش زمانی پایان یابد که از تربیت فرزندانش فراغت پیدا کند، یا از بیماری‌اش شفا یابد، یا آن پسر یا دختر ازدواج کنند.

- دانش‌آموز می‌گوید: چیزی که پیش روی من است تا بتوانم تغییر را آغاز کنم، فقط امتحان بعدی، مقطع تحصیلی آینده، یا دوره علمی پیش رو است.

- جوان - پسر یا دختر - می‌گوید: وقتی به سن مناسب برسم، یا از دانشگاه فارغ‌التحصیل شوم، یا شغلی پیدا کنم، یا ازدواج کنم، یا شرایط روانی، مالی یا خانوادگی‌ام بهبود یابد، آن زمان تغییر را شروع می‌کنم.

حیله‌های نفسانی |

- **همسر گمان** می‌کند مانع او زمانی برطرف می‌شود که مشکلش با شوهرش حل شود، یا شوهرش اصلاح گردد، یا خودش به یک مرحله سنی خاص برسد.

- **تاجر** تصور می‌کند مشکل او زمانی حل می‌شود که آن معامله تجاری را به پایان برساند یا پروژه تجاری بعدی را اجرا کند... و غیره.

به طور کلی، مثال‌های متعددی وجود دارد که در آن‌ها شکل مانع بر اساس کار، دغدغه‌ها و مشکلات فرد متفاوت است، اما جوهره آن یکسان باقی می‌ماند؛ و آن این است که این شخص که تصمیم به تغییر دارد، در زندانِ «**مانع یگانه‌اش**» گرفتار بماند. به طوری که دشمن او اجازه ندهد هیچ پیشرفت روزانه ملموسی در علم، عمل، فکر، رفتار، یا دستاوردی داشته باشد.

بلکه شیطان به این توقف بسنده نمی‌کند، بلکه سعی می‌کند او را به ادامه ضعف و سقوط وادار کند، تا جایی که برخی از افراد - در دوره‌ای از زندگی خود - چیزی جز مظاهر سطحی از ارکان دینشان برایشان باقی نماند، آن هم با کوتاهی و بی‌توجهی به آن‌ها، همان‌گونه که حال برخی از مسلمانان امروز است.

بنابراین، مسلم است که کسی که هر روز و هر ساعت در هر زمینه‌ای از زندگی‌اش پیشرفت نکند، و شبانه‌روز در تقویت خود در برابر شیطان‌ش تلاش نکند، بداند که در حال سقوط و عقب‌نشینی است، هرچند گمان کند که در حالت ثابتی قرار دارد که با

حیله‌های نفسانی |

گذر زمان تغییر نمی‌کند. خداوند متعال با تأکید بر این موضوع فرمود: **إِلْمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ**، [مدثر: ۳۷]، ترجمه: (برای کسی از شما که بخواهد پیش رود یا عقب بماند).

پس حالت میانه‌ای وجود ندارد، برخلاف آنچه این دشمن قسم خورده به ما القا می‌کند!

سوم: پیامدهای منفی این مانع

پیش از آنکه به مرحله درمان و راه‌های رهایی از این مانع بپردازیم، شایسته است که به مجموعه‌ای از آثار منفی و پیامدهای تلخ آن اشاره کنیم، تا کاملاً به بدی و زیان آن آگاه شویم.

از جمله برجسته‌ترین این پیامدها، به اختصار می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

نخست: اینکه مسلمان مدت طولانی منتظر بماند تا فرصتی مناسب پیدا کند تا به گمان خود به درجه‌ای بهتر از پاکی و تزکیه برسد، و در توبه از کوتاهی‌های خود عجله نکند، این حالت نشان‌دهنده رضایت نسبی او در حال حاضر از وضعیت ایمانی ناخوشایند خود است! و همچنین آرامش خاطر او از وضعیت تربیتی متزلزلش! حتی اگر این موضوع را به صراحت بیان نکند.

حیله‌های نفسانی |

دوم: اینکه مسلمان در این دنیا برای هدفی بزرگ و یگانه آفریده شده است، و آن عبادت و اطاعت از خداوند به معنای گسترده و جامع آن است. و اینکه امور دنیوی مانند ازدواج، جمع‌آوری مال، تحصیل، خوردن، نوشیدن، خواب و غیره تنها ابزارهایی برای خدمت به آن هدف بزرگ هستند. پاسخ مثبت او به این مانع، نشان‌دهنده وجود خلل فکری در اوست، زمانی که هدف را به وسیله تبدیل کرده و وسیله را هدف قرار داده است!

سوم: تسلیم شدن به این مانع به معنای جدایی میان اسلام و زندگی است! گویی زندگی یک حوزه است و اسلام حوزه‌ای دیگر...! این امر نشان می‌دهد که فرد معتقد است پایان دادن به یک مسئله مهم از امور زندگی، او را قادر می‌سازد تا به اسلام بپردازد و ایمان خود را تقویت کند، که این تصور نادرست است. مسلمان در همه حال برای دین یا دنیای خود تلاش می‌کند، در حال خوشی یا ناخوشی، در سلامت یا بیماری، در بی‌نیازی یا فقر، و در جهاد یا صبر خود، همواره در حال عبادت خداوند متعال است، و از اجر بی‌وقفه‌ای بهره‌مند خواهد شد، به اذن خداوند.

چهارم: بسیار دشوار است که انسان پس از رفع «تنها مانع» خود، که شیطان او را مدت‌ها در آن نگه داشته است، حتی یک قدم به سوی تغییر و اصلاح کامل پیش رود! راز این مسئله در آن است که شیطان برای او مانع جدید و منحصر به فردی مطابق

حیله‌های نفسانی |

با وضعیت فعلی‌اش آماده کرده است، که بعدها آشکار خواهد شد. این انتظار بدون شک نوعی فریب و زیان است، چه در بار اول، دوم، یا حتی دهم باشد!

پنجم: این «مانع خیالی» باعث توقف در ساختار علمی، ایمانی و تمدنی جامعه و امت می‌شود. این مانع امروزه میلیون‌ها مسلمان، بلکه صدها میلیون نفر از آنان را از ایجاد تغییر واقعی در زندگی‌شان باز می‌دارد، و آنان را از پایبندی کامل به دین‌شان به عنوان گام اول، و سپس از کار کردن برای آن، دعوت به آن، و دفاع از آن به عنوان گام دوم، باز می‌دارد.

ششم: به ندرت مسلمانی پیدا می‌شود که از افتادن در دام این حیله‌های شیطانی و موانع خیالی که این دشمن هر لحظه و دقیقه در مسیر هر فردی که به سوی خدا می‌رود می‌کارد، نجات یابد. خوشبخت کسی است که همواره به این موانع آگاه باشد و با کمک خداوند برای غلبه بر آنها تلاش کند.

چهارم: چگونه این مانع را درمان کنیم؟

رهایی از این مانع برای کسی که آن را با جدیت و صداقت بخواهد، ممکن است. در این راستا، نسخه‌ای تربیتی و مؤثر وجود دارد که در دو گام قابل اجراست:

۱- علم:

حیله‌های نفسانی |

منظور از علم، کشف این حيله در برابر نفس و عقل است، تا با بی‌طرفی آن را بررسی کرده و به آثار منفی آن در زندگی دنیا و آخرت پی ببرد. افزون بر این، تلاش برای آشکار ساختن این حيله در میان دیگرانی که از آن ناآگاهند و هنوز خطر آن را درک نکرده‌اند، اهمیت دارد.

و اکنون تو، ای خواننده گرامی، به لطف و نعمت خداوند، با جزئیات این حيله و آثار بد آن بر زندگی‌ات آشنا شده‌ای. اما این شناخت نظری به‌تنهایی نتیجه‌ای نخواهد داشت و مشکل را حل نخواهد کرد. بلکه باید گام بعدی را نیز برداری، که عبارت است از:

۲- عمل:

منظور از عمل، اجرای برنامه یا فعالیتی است که این نقص تربیتی را درمان کرده و به حل این معضل روانی کمک کند. این برنامه می‌تواند روزانه، هفتگی، یا ماهانه باشد و باید از همین لحظه کنونی که به شومی و آسیب‌های مخرب آن در زندگی‌مان پی برده‌ایم، یا بلافاصله پس از پایان مرحله علم و برنامه‌ریزی، آغاز شود.

این برنامه‌ریزی ممکن است صریح یا ضمنی باشد، که می‌توان آن را به نام نیت قاطع برای تغییر یا اراده صادقانه برای توبه و اصلاح حال نامید.

حیله‌های نفسانی |

برای نمونه، در زمینه عمل و ساختار فردی (ایمانی)، ممکن است کسی احساس کند که باید سطح ایمان خود را ارتقا داده و ارتباطش با خداوند متعال را بهبود بخشد. او می‌خواهد به پروردگارش نزدیک‌تر باشد، در انجام طاعات پیشگام شود، در توکل، محبت، توبه و تواضع نسبت به خداوند قوی‌تر شود و از گناهان و معاصی، چه کوچک و چه بزرگ، دوری گزیند.

مثال دیگری که مربوط به ساختار فردی (فرهنگی) است:

زمانی که این مسلمان اهمیت علم و مطالعه را درک می‌کند، و به تعمیق دانش خود در علوم شرعی، تربیتی، اجتماعی و دیگر علوم مرتبط علاقه‌مند می‌شود، و تلاش می‌کند آنچه را که عالمان و اندیشمندان در این زمینه‌ها تألیف کرده‌اند، بررسی کند تا خداوند متعال را با علم و آگاهی عبادت کند، به سوی خداوند با فهم و بصیرت دعوت کند و نقش مورد انتظار خود را در پیشرفت امت به بهترین شکل ایفا کند.

اما در هر دو حالت می‌بینیم که او کارها را به تأخیر می‌اندازد و اجرای آن‌ها را به زمانی نامعلوم می‌سپارد. او با بهانه‌هایی مانند وجود مشکلات شخصی، شرایط جسمی، مالی، خانوادگی یا روانی، یا مشغله‌های زیاد، یا هر مانع دیگری که پیش‌تر نمونه‌هایی از آن ذکر شد، از عمل باز می‌ماند.

حیله‌های نفسانی |

به این ترتیب، او ماه‌ها و گاهی سال‌ها از حرکت باز می‌ماند، و پس از ده‌ها سال به خود می‌آید و می‌بیند که هنوز در همان جایگاه قبلی ایستاده است؛ نه بر علم خود به گونه‌ای افزوده است که دلشاد شود، نه بر ایمانش به اندازه‌ای افزوده که سیراب گردد، و نه در پروژه‌های خود چیزی ارزشمند یا مفید برای جامعه و امت خود به انجام رسانده است.

به همین دلیل، چه بسیار مسلمانانی - چه مرد و چه زن - که داستان زندگی‌شان به پایان رسیده، اما زندگی واقعی خود را هرگز آغاز نکرده‌اند! سال‌های عمرشان سپری شده، بدون آنکه به استقامت مورد انتظار دست یابند یا نقش اجتماعی آرمانی خود را ایفا کنند.

زیرا حقیقت عمر در شمارش سال‌ها و کثرت آن‌ها، یا در طول و عرض آن‌ها نیست، بلکه در منافع ارزشمند و آثار برجسته آن است.

ممکن است فردی ۳۰ یا ۴۰ سال عمر کرده باشد، اما به واسطه دانش، دستاوردها، و آنچه برای خود، اسلام، و مسلمانان انجام داده است، بسیار بالاتر از کسی باشد که ۶۰، ۸۰ یا حتی ۱۰۰ سال عمر کرده است!

حیله‌های نفسانی |

دلیل این تفاوت بزرگ در این است که فرد در مرحله‌ای از زندگی خود به «وهم مانع یگانه» باور کرده است! و این باور باعث شده که خود، عقل و اعضای بدنش را از طی کردن مسیر تلاش، عزت، ساختن و بهره‌برداری در میادین مختلف بازدارد!

از این رو، روزهای طلایی عمرش - مگر آنکه خداوند او را رحمت کند - اغلب هدر رفته است، در حالی که آرزوی توسعه و بهتر کردن آن‌ها را در سر می‌پرورانده است. اما متأسفانه، از مانع یگانه و خیالی اول به مانع خیالی دوم، سوم، چهارم و پنجم جهیده است ... و همین‌طور ادامه داده است!

سفر عمر او با این ضعف و ناتوانی سپری می‌شود - البته شدت آن از فردی به فرد دیگر متفاوت است - بدون اینکه بیدار شود یا به وضعیت خود آگاهی پیدا کند.

زیرا همان‌طور که خداوند متعال شیطان را توصیف کرده است:

{يَعِدُّهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا}، [نساء: ۱۲۰]، ترجمه: (او به آن‌ها وعده می‌دهد و آرزوهایی در دلشان می‌افکند، در حالی که وعده‌های شیطان جز فریب نیست).

پنجم: راه‌حل‌های اساسی برای این مانع

بنابراین بار دیگر تأکید می‌کنم که راه‌حل واقعی و درمان مؤثر برای این نقص و کمبود، در دو بخش خلاصه می‌شود:

۱. راه‌حل نظری:

این است که انسان آن باور دروغینی را که شیطان در ذهن و عقل او کاشته است را نادیده بگیرد، این باور که متاسفانه پیشرفت او از لحاظ فکری و تربیتی، امور مهم اجتماعی و خانوادگی را مختل می‌کند، یا پروژه‌های مالی و مادی ضروری را به تأخیر می‌اندازد، چیزی جز **وهم و فریب** نیست.

او باید همواره خطر این مدخل شیطانی را در ذهن داشته باشد، و در هر لحظه از زندگی و در هر نفسی که می‌کشد، از افتادن در این دام شیطانی هشیار باشد. باید با اراده‌ای قوی تصمیم بگیرد که وظایف ضروری خود را انجام دهد؛ از گام‌های کوچک و اندک شروع کند، حتی اگر هدفش طی کردن مسیری طولانی باشد، تا به گام‌های بزرگ و عظیم برسد، به خواست خداوند.

همان‌طور که در ضرب‌المثل انگلیسی گفته شده است: **راهی که هزار مایل طول دارد، با اولین گام آغاز می‌شود.**

اما اگر به این نظریه عقلی و تربیتی ایمان نیاورد و از همین لحظه‌های کنونی شروع به اجرای آن نکند، زندگی خود را به تأخیر خواهد انداخت و تاریخ درخشان خود را معطل خواهد کرد.

اندیشمند مسلمان، مالک بن نبی، می‌گوید:

حیله‌های نفسانی |

(تاریخ از مرحله وظایف خاص آغاز می‌شود؛ وظایفی که در هر روز، هر ساعت، و هر دقیقه انجام می‌گیرد، نه در معنای پیچیده‌ای که عمداً کسانی که تلاش‌های روزانه را با کلمات پوچ و شعارهای دروغین مختل می‌کنند، آن را پیچیده جلوه می‌دهند تا تاریخ را متوقف کنند، به این بهانه که منتظر لحظات سرنوشت‌ساز و معجزات شگفت‌انگیز برای دستیابی به موفقیت‌های بزرگ هستند!).

بخش دوم: درمان

راه حل عملی

در اینجا چند برنامه ایمانی و علمی ساده را ذکر می‌کنم که هر مسلمان، چه مرد و چه زن، می‌تواند بدون توجه به سطح خود به آسانی آن‌ها را انجام دهد. هدف از این برنامه‌ها، ریشه‌کن کردن این مانع، شکستن زنجیرهای آن و رهایی از زندان این دشمن آشکار است.

بدون شک این برنامه‌ها تنها به مقدار کمی از وقت و تلاش نیاز دارند، و من مطمئن هستم که این برنامه‌ها برای بسیاری از افراد ناشناخته نیستند. اما از باب یادآوری و تأکید بر آن‌ها از یک سو، و از سوی دیگر تشویق به انجام روزانه و هم‌زمان این برنامه‌ها برای بهره‌برداری بیشتر، آن‌ها را بیان می‌کنم.

این برنامه‌ها عبارتند از:

- ۱- اقامه نمازهای پنج‌گانه به جماعت در مسجد، با خشوع و آرامش.
- ۲- انجام سنت‌های مؤکده، که شامل ۱۲ رکعت در روز است. کسی که به این سنت‌ها پایبند باشد، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت می‌سازد، همان‌طور که در حدیث آمده است.
- ۳- خواندن اذکار صبح و شام، و توجه به اذکار روزمره مانند ورود و خروج از خانه، اذکار خوردن، آشامیدن، خوابیدن و غیره.
- ۴- خواندن نیم جزء از قرآن کریم، یا در مرحله ابتدایی یک چهارم جزء، تا اینکه بتواند به مرحله‌ای برسد که هر روز یک جزء کامل بخواند.
۵. خواندن نماز وتر، حداقل سه رکعت و در صورت امکان یک رکعت، و نماز ضحی حداقل دو رکعت و در صورت امکان چهار رکعت.
۶. گفتن ذکر تهلیل: «لا إله إلا الله وحده لا شریک له، له الملك وله الحمد وهو على کل شیء قدير» صد بار.
۷. مطالعه روزانه ۲۰ تا ۳۰ صفحه از یک کتاب مفید، در قالب برنامه‌ای علمی منظم.

ششم: هوشیار باش

حیله‌های نفسانی |

در برابر این برنامه تحول‌آفرین تربیتی کارآمد، و هنگام تصمیم به اجرای آن، باید نسبت به دو نیرنگ خطرناک شیطان هوشیار بود. شیطان ممکن است با روشی نرم و پنهانی یکی از این دو نیرنگ را علیه ما به کار گیرد، بی‌آنکه متوجه شویم!

الف) نیرنگ بزرگ‌نمایی (تهویل).

ب) نیرنگ کوچک‌نمایی (تهوین).

عالم ربانی امام ابن قیم رحمه الله معنای این دو اصطلاح را چنین توضیح می‌دهد: (اگر شیطان ببیند که روحیه غالب فرد، ضعف و بی‌ارادگی است، تلاش می‌کند که عزیمت او را تضعیف کند، همتش را کم‌رنگ سازد، و او را نسبت به انجام وظایف سنگین و بی‌میل نماید. سپس ترک آن وظایف را برای او ساده جلوه می‌دهد، تا جایی که یا به کلی آن را ترک کند یا در انجام آن کوتاهی کند...!

اما اگر ببیند که روحیه غالب فرد، شجاعت و همت بلند است، تلاش می‌کند اهمیت وظایف را در نظر او کم جلوه دهد، و او را به این باور برساند که وظایف فعلی کافی نیستند و به افراط و اضافه کاری نیاز دارد...!

در نتیجه، فرد نخست دچار کوتاهی می‌شود، و فرد دوم از حد اعتدال فراتر می‌رود...!

حیله‌های نفسانی |

یکی از علمای سلف گفته است: (خداوند هیچ دستوری صادر نکرد، مگر اینکه شیطان در آن دو وسوسه ایجاد می‌کند؛ یا به سمت تفریط و کوتاهی، یا به سمت افراط و زیاده‌روی... و برای او اهمیتی ندارد که کدام‌یک را به کار گیرد!)

از ذکر این دو نیرنگ درمی‌یابیم که هدف هوشمندانه شیطان این است که یا ما را به سمت سخت‌گیری و افراط بکشانند، یا به سمت سهل‌انگاری و تفریط. در هر دو حالت، نتیجه‌ای جز گمراهی و زیان وجود ندارد!

شیطان در این موضوع تلاش می‌کند که شما را از فکر کردن به تغییر وضعیت خود و توسعه شخصیت بازدارد، و به همان حالت قبلی بازگرداند؛ یعنی به غفلت، تنبلی، و سرگرمی‌های بیهوده‌ای که هیچ ثمری ندارد. به این ترتیب، نه آن مطالعه آگاهانه و نه محاسبه نفس قبلی، هیچ فایده‌ای به همراه نخواهد داشت.

بنابراین، تأکید می‌کنم که انجام آن «اعمال ذکرشده» در راهکار عملی، باید محور اصلی توجه روزانه هر مسلمان باشد، و ستون فقرات برنامه تربیتی او را تشکیل دهد. این اقدامات تنها یک گام ابتدایی و موقت هستند برای سد کردن راه این دشمن سرسخت و خروج از چرخه بی‌پایانی که شیطان می‌خواهد یکی از ما را در آن حبس کند، با این توهم که مانع بزرگی بر سر راه وجود دارد!

حیله‌های نفسانی |

پس اگر مسلمان هنگام پایبندی به آن برنامه احساس قدرت ایمانی، اشتیاق و نشاط کرد - که ان شاء الله انتظار می‌رود - باید به سرعت برنامه‌ها و عبادات دیگری را نیز به آن اضافه کند.

* مانند اقامه نماز شب، حتی چند رکعت اندک.

* خواندن بیش از یک جزء از قرآن کریم.

* افزایش علم و دانش به شیوه‌های گوناگون.

* روزه گرفتن در روزهای فضیلت‌دار مانند دوشنبه و پنجشنبه.

* ماندن در مسجد پس از نماز صبح تا طلوع آفتاب و سپس خواندن دو رکعت نماز.

* توجه به گسترش خیر میان مردم.

و بسیاری موارد دیگر که انجام آن‌ها تنها به صورت تدریجی ممکن است، تا ایمان فرد ارتقا یابد، پایه‌های آن مستحکم شود، و گرفتار انحراف به سمت افراط یا تفریط نشود.

هفتم: نشانه‌هایی در مسیر تغییر

حیله‌های نفسانی |

در پایان این موضوع، شایسته است که مجموعه‌ای از نکات فکری و اشارات تربیتی را یادآوری کنیم تا هنگام اجرای آن برنامه عملی دچار نقص یا کوتاهی نشویم. از جمله:

۱- نباید فراموش کنیم که استقامت و تزکیه نفس نیازمند تلاش، همراه با صبر و پایداری است تا به آن‌ها دست یابیم. کسی که با صداقت و اخلاص در پیشگاه خداوند اجرای چنین برنامه‌ای را آغاز کند، خداوند او را برای ادامه این مسیر یاری خواهد کرد. چنان‌که خداوند متعال فرمود: **{وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا}** [عنکبوت: ۶۹]، ترجمه: (و کسانی که در راه ما تلاش کردند، بی‌شک آنان را به راه‌های خود هدایت خواهیم کرد)، و در حدیث قدسی آمده است: «وَمَنْ تَقَرَّبَ إِلَيَّ شَبْرًا تَقَرَّبْتُ إِلَيْهِ ذِرَاعًا»، ترجمه: (و هر کس به اندازه یک وجب به من نزدیک شود، من به اندازه یک ذراع به او نزدیک می‌شوم).

۲- مهم است که مسلمان در تمامی ابعاد تربیت و ساختار شخصیتی خود کامل باشد، و تلاش کند که در همه جنبه‌های زندگی متوازن عمل کند. نباید بر یک بُعد تمرکز کند و ابعاد دیگر را نادیده بگیرد، بلکه باید به هر بُعد به اندازه خود توجه و رسیدگی کند. این ابعاد شامل جنبه‌های روحی، عقلی، جسمی، روانی، خانوادگی، اجتماعی، شغلی و دیگر جنبه‌ها می‌شود که جای تفصیل آن‌ها در اینجا نیست.

حیله‌های نفسانی

شرایط، با تمام دگرگونی‌های خوب یا بد خود، چیزی جز ابزاری برای ساختن و تغییر نیستند. اگر یک مسلمان در پرورش و تزکیه نفس خود در حال حاضر تمام توانایی‌های حسی و روانی خود را به کار گیرد، خداوند متعال در آینده امکانات و توانایی‌های جدیدی را برای او فراهم خواهد کرد تا به کمک آن‌ها بیشتر به اهداف و آرزوهای خود برسد. زیرا هرکس به آنچه در توان دارد عمل کند، خداوند او را بر انجام کارهایی که قبلاً توانایی انجامشان را نداشته، توانا می‌سازد. چنان که در حکمت آمده است: **(هرکس به دانسته‌های خود عمل کند، خداوند دانشی را که نمی‌دانست به او عطا می‌کند).**

۴- باید مطمئن شویم که عدم اجرای چنین برنامه‌ای از سوی برخی مسلمانان - با وجود سادگی آن - ناشی از مشغولیت به کارهای دعوتی نیست (که این هم عذر قابل قبولی نیست)، یا از سر تلاش برای کسب روزی و انجام وظایف شغلی آن‌ها. خیر، بلکه گاهی اوقات مشاهده می‌کنیم که آن‌ها هیچ مشغله‌ای ندارند! اما با این حال، هیچ رغبتی یا انگیزه‌ای در خود نمی‌یابند که مثلاً ورد قرآنی خود را بخوانند یا کارهای مشابهی انجام دهند. دلیل اصلی این امر این است که شیطان بر ارادهٔ آن‌ها تسلط پیدا کرده و تأثیر قوی‌ای بر نفس آن‌ها گذاشته است.

بنابراین، چقدر به برنامه‌های اضافی نیاز داریم، جدای از آن اعمال ذکرشده، تا بتوانیم در مبارزه با این دشمن سرسخت و غلبه بر او قدرت بیشتری پیدا کنیم.

حیله‌های نفسانی

و به دلیل اهمیت بسیار زیاد این موضوع، و برای تکمیل بحث خود، در پایان این پژوهش مجموعه‌ای از عبادات و دعاها را ذکر خواهیم کرد که به مسلمان کمک می‌کند تا خود را از وسوسه‌های شیطان حفظ کند و از سیطره و نیرنگ اورهایی یابد.

۵- زیاد دعا کردن و با صداقت به درگاه خداوند متعال پناه بردن، به‌ویژه در زمان‌های اجابت دعا، و از او درخواست یاری برای یادآوری، شکرگزاری و حُسن عبادتش، تحقق تزکیه مطلوب، و پیروزی بر نفس، هوا و شیطان. زیرا کسی که پروردگارش او را یاری نکند و توفیق ندهد، راهی برای غلبه بر دشمنش نخواهد یافت.

۶- هریک از ما نتیجه اجرای این برنامه را در طی یک یا دو هفته مشاهده خواهد کرد، ان شاء الله.

این نتیجه شامل شادی و خوشحالی، قدرت روانی و جسمی خواهد بود، و در آن زمان یقین پیدا خواهیم کرد که این مانع صرفاً یک توهم بوده است، و غلبه بر نیرنگ شیطان و مکر او بسیار آسان است. همان‌طور که خداوند متعال فرمود: **إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا**، [نساء: ۷۶]، ترجمه: (همانا حيله و مکر شیطان ضعیف است).

۷- ممکن است فردی در برخی روزها به دلیل برخی امور اضطراری از تکمیل این برنامه در همان روز بازماند، و در این صورت اشکالی ندارد که آن را در روز بعد جبران کند.

و در نهایت..

آیا احساس می‌کنی - ای خواننده عزیز - که به این برنامه ایمانی و علمی (یا شبیه آن یا حتی بیشتر از آن) پایبند هستی؟ و به صورت کامل و به عنوان حداقل سطح ایمانی قابل قبول برای یک مسلمان بلندهمت به آن عمل می‌کنی؟

اگر پاسخ «نه» است..!

پس از همین لحظه در تلاش با نفس خود بکوش، و بر شیطان خود غلبه کن تا آن را به طور کامل انجام دهی؛ زیرا اگر نتوانی به چنین برنامه‌ای با وجود آسانی آن، کم بودن زمانی که نیاز دارد، و پراکنده بودن اجرای آن در طول روز پایبند باشی.. پس آیا برنامه دیگری وجود دارد که به آن پایبند شوی؟

و اگر پاسخ «بله» است..

پس خدا را بسیار شکر کن با عمل، قلب و زبانت، و اعمال نیک دیگری به آن بیفزای. اما با این حال، از تو دعوت می‌کنم که به جزئیات (توطئه دوم و خطرناک‌تر) نیز توجه کنی.. شاید از جمله کسانی باشی که شیطان تو را در این دام گرفتار کرده باشد، بدون آنکه خودت متوجه شوی یا هرگز انتظارش را داشته باشی.

موضوع دوم: کمال کاذب

نخست: مقصود از این حيله:

پس از مطالعه موضوع قبلی، ممکن است یکی از ما وجود یک (مانع واحد) آشکار در زندگی خود را که او را از تزکیه نفس، رقابت در انجام هر کار نیک، یا ایفای نقش خود در گسترش خیر و فضائل در سطح فردی یا عمومی بازمی‌دارد، انکار کند. شاید او بارها در ذهن خود یا در جمع بگوید: «من خوبم - و الحمد لله - در حالتی هستم که خدا و رسولش دوست دارند. من مانند دیگران مرتکب محرمات یا منکرات یا آزار مردم و غیره نشده‌ام.» این گونه است که او اعتقاد دارد و به آن ایمان دارد!

اما با وجود این حسن ظن زیبا، زمانی که بخواهی صداقت این وضعیت را بسنجی، در بیشتر موارد چیزی جز خلاف آن پیدا نمی‌کنی، از نزدیک یا دور، وقتی ببینی که او در بسیاری از زمینه‌ها کوتاهی می‌کند و در جنبه‌های مختلف غیرفعال است، مثلاً این کوتاهی ممکن است در موارد زیر باشد:

- ضعف در طلب علم و افزایش دانش.

- یا توقف در تزکیه نفس و ارتقای سطح ایمانی و رفتاری خود.

- یا کوتاهی در مشارکت اجتماعی که نفع آن به دیگران می‌رسد.

حیله‌های نفسانی |

- یا کمبود توجه به وضعیت مسلمانان و تعامل با مسائل آن‌ها.. و مانند این‌ها.

و این به دلیل:

- گمان می‌کند که نیازی به تقویت ایمانی بیشتر و رشد روحی ندارد، و همان سطحی که به آن رسیده برایش کافی است.

- یا به دلیل تمایل به دنیا و لذت‌های آن، و گرایش به تنبلی، آسایش و بیکاری.

- یا باور به این که هیچ ضرورتی برای تلاش آگاه‌سازی در جامعه وجود ندارد، زیرا اوضاع به بهترین شکل ممکن است.

- یا پیش‌بینی او که تلاش فردی‌اش تأثیری در پذیرش یا اثربخشی در تغییر نخواهد داشت.

و یا دلایل دیگری از این دست.

و با وجود اینکه این انسان ممکن است به این نکات و کمبودها با صدای بلند اعتراف نکند، اما برنامه روزانه و هفتگی او، و نگاهی به حرکات و فعالیت‌های مختلفش، بر خلاف آنچه که می‌گوید و در درون خود باور دارد، شهادت می‌دهند.

عبرت در رفتار و عمل است، نه در گفتار و نیت‌های خوب.

حیله‌های نفسانی |

این موضوع در یک چارچوب تربیتی مهم به این معناست که هرچه میزان هماهنگی افکار و مفاهیم با جنبه‌های عملی و رفتاری یک انسان، بهتر و بالاتر باشد، دعوت او تأثیر بیشتری بر خودش و دیگران خواهد داشت، زیرا در این حالت او الگوی نیکی خواهد بود که در گفتار و عمل قابل پیروی است.

زیرا در واقعیت زندگی و جریان تاریخ، ارزش انسان در نظریاتی که در ذهن دارد یا اطلاعاتی که حفظ کرده نیست، بلکه در پایداری عملی او به ارزش‌ها و اصول است! به عنوان مثال، اکثر مسلمانان امروز (از لحاظ نظری) به این باور دارند که شیطان قادر به اغوای آن‌هاست، چرا که آن‌ها انسان‌هایی غیرمعصوم هستند، و از نقص و خطا مبرا نیستند.

و اما سؤال مهم اینجاست: (نتیجه مورد انتظار) از این وضعیتی که رفتارهای آن مسلمانان نشان می‌دهد، چیست؟ و عملکرد عملی آن‌ها در برابر این احساس چگونه است؟

پاسخ این است که:

دچار شدن به یک حیلۀ روانی فریبنده و افتادن در دام خطرناک شیطانی به نام: (کمال کاذب)!

دوم: تعریف کمال کاذب

تعریف این بیماری چنین است:

احساس آرامش و اطمینان کامل انسان نسبت به وضعیت فردی خود، و واقعیت اجتماعی‌اش، و این تصور که هیچ چیزی در زندگی ایمانی، تربیتی، فکری و رفتاری او نیازی به تغییر ندارد! و چیزی وجود ندارد که مستلزم دگرگونی یا بهبود باشد!

پس اگر آن مسلمان نمازهای پنج‌گانه را ادا کند، و اندکی نوافل و طاعات دیگر به آن بیفزاید، به آرامش می‌رسد و به همان مقدار بسنده می‌کند، و به درجه‌ای از احساس کمال ایمانی می‌رسد که شاید تصور کند بالاتر از آن وجود ندارد! هرچند به صراحت به این احساس اعتراف نکند، اما نشانه‌های آن در موارد زیر دیده می‌شود:

- کندی او در شتاب به سوی بسیاری از اعمال صالح و طاعات فردی در انواع مختلف.
- عدم استفاده از تمام وقت و تلاش خود برای آنچه که در پیشرفت جامعه و تاریخ مؤثر و سودمند است.

- قانع بودن او به اینکه دیدگاه‌های فکری، گرایش‌های اجتماعی، و روش‌های تربیتی او درست و حق هستند، و هر چیزی غیر از آن‌ها خطا و ناقص است.

- تصور او که به درجه‌ای رسیده است که از هیچ‌کس نقدی نمی‌پذیرد، و نیازی به بازنگری در مفاهیم و رفتارهای خود ندارد.

- کمبود مشارکت او در ارتقای سطح جامعه و امت در هر جنبه از زندگی آن.

حیله‌های نفسانی

همهٔ این نشانه‌ها و موارد مشابه، دلایلی هستند که نشان می‌دهند او به بیماری (احساس کمال کاذب) مبتلا شده است ... کمالی عقیم که هیچ نتیجهٔ مثبتی در پی ندارد!

درست است که نباید از رحمت، عفو و کرم خداوند ناامید شویم، و باید همواره خوش‌بین به خداوند متعال باشیم، مادامی که انسان به مرتبهٔ اسلام پایبند باشد و آن را حفظ کند، این مرتبه‌ای از دین است که گمان می‌رود برای عموم مسلمانان که آگاهی آنان از دین‌شان و درک و شناخت‌شان کم است قابل قبول باشد، اما بدون شک این مرتبه‌ای نیست که شایسته باشد صالحان امت و برگزیدگان آن - کسانی که انتظار می‌رود برای خود و دیگران سودمند باشند - تمام عمر خود در آن باقی بمانند.

به‌ویژه وقتی می‌بینی که آن‌ها تلاشی شایستهٔ تقدیر و رضایت برای صعود به درجات ایمان و احسان و عرصه‌های گوناگون آن نمی‌کنند، گویی که نسبت به وضعیت خود در امنیت افراطی از عذاب خداوند عز و جل به سر می‌برند. این در حالی است که آن‌ها در حق خداوند کوتاهی می‌کنند، یا در انجام مجاهدت کامل در حق این دین و نشر آن قصور دارند، و چنین حالتی آن‌ها را در زمره کسانی قرار می‌دهد که از مکر خدا ایمن هستند. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: **﴿فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ﴾** [اعراف: ۹۹]، یعنی: (هیچ‌کس از مکر خدا ایمن نیست، جز قوم زیانکار).

حیله‌های نفسانی

و بی‌گمان صحابه رضوان الله علیهم - با وجود جایگاه بلندشان نزد خداوند متعال و پیامبرش صلی الله علیه و سلم - بیشترین عبادت را برای خداوند انجام می‌دادند، و از او بیشترین خشیت و ترس را داشتند. آن‌ها بسیار مشتاق بودند که خود را محاسبه کنند، و نصیحت و موعظه را بپذیرند.

با اینکه تلاششان در هر عبادت و طاعتی، و در هر نوع از انواع جهاد، هرگز متوقف نمی‌شد، تا زمانی که پروردگارشان را ملاقات کردند، اما همچنان در ترسی دائم بودند که مبادا خداوند همه آن اعمال را از آنان نپذیرد!

و این حالِ تابعین، و تابعینِ تابعین، و بندگان صالح و پرهیزگار خدا در گذر زمان و سال‌ها بوده است... و داستان‌های آن‌ها در این زمینه بی‌شمار است.

بنابراین، ارتقای پی‌درپی مسلمان صالح به سوی درجات بالاتر ایمان و تقوا، علم و خشیت، و حفظ حالت روانی سالم و متعادل او، به گونه‌ای که از حد احساس امنیت و کمال فراتر رود، اما به حد یأس نرسد یا از آن تجاوز نکند، همراه با احساس دائمی نسبت به کوتاهی در حق خداوند متعال و آنچه که در علم و عمل باید به کمال برسد، که او را به سوی انجام بیشتر اعمال صالح روزانه در زمینه‌های مختلف سوق می‌دهد، و ترس شدید از عدم قبول اعمال؛ همه این موارد کافی است تا سطح تنش ایمانی و اثرگذاری مثبت او را بسیار بالا نگه دارد.

این تعادل به او امکان می‌دهد که میان دو حالت (خوف و رجاء) که هر دو پسندیده‌اند، زندگی متوازنی داشته باشد.

سوم: علت گرفتار شدن در این دام

اما دلیل فکری احساس برخی مسلمانان به کمال روانی کاذب را متفکر اسلامی، مالک بن نبی رحمه الله، به اختصار این گونه بیان می‌کند:

(مسلم و بدیهی است که اسلام دینی کامل است، و چون ما (مسلمان) هستیم، این احساس و تفکر در ما ایجاد شده که ما نیز (کامل) هستیم!!).

و این یک قیاس اشتباه و شوم است!

درست این است که ما مسلمان هستیم، اما ما اسلام کامل نیستیم که بتوانیم درباره خودمان بگوییم که ما نیز کامل هستیم!

اسلام کامل و منزّه است و هیچ‌گاه مورد سرزنش قرار نمی‌گیرد، اما ما به عنوان یک مسلمان، ممکن است در اجرای اسلام به آن نزدیک شویم یا در شرایط دیگر از آن فاصله بگیریم، که این باعث می‌شود ما هرگز کامل نباشیم و از نقص و تقصیر مبرا نباشیم، زیرا ما انسانیم و فرشته نیستیم!

حیله‌های نفسانی |

اشتباه گرفتن اصل و کاربرد، یا قاعده و نمونه، یا اسلام و مسلمانان، جهلی است که امروز این بیماری تربیتی مهلک (کمال کاذب) را در میان مسلمانان به وجود آورده است.

این بلا و بیماری را می‌توان همچنین به نام «فلج اخلاقی» نامید، که به صورت دیگری نیز تعریف می‌شود:

«فساد دستگاه روانی که انسان مسلمان را به سمت تعالی روحی، رشد تربیتی، و پیشرفت فکری سوق می‌دهد، از طریق احساس او به این که انسان است و باید خطا و تقصیر و لغزش از او سربزند؛ امری که او را برمی‌انگیزد تا این ضعف و سستی را از طریق تلاش پیگیر برای ترمیم و اصلاح آن، و جبران آن به روش‌های علمی، ایمانی، و روانی مختلف برطرف کند.»

آنچه بیشتر از ماهیت این دام نگران‌کننده است، نتایج آن است، چرا که همیشه پس از این فلج اخلاقی، فلج روانی، فکری و اجتماعی به وجود می‌آید!

- فلج روانی باعث بزرگ شدن خودخواهی (منیت) در فرد می‌شود، به طوری که دچار غرور ایمانی و خودشیفتگی می‌شود و به او القا می‌کند که به کمال در سطح اسلام، ایمان، علم و آگاهی خود رسیده است!

حیله‌های نفسانی |

- **فلج فکری** عملاً مانع از آن می‌شود که انسان خود را اصلاح کند، نفس خود را تزکیه کند، و به‌طور مداوم در دانش و رفتار خود پیشرفت کند و از آن بهره بیشتری ببرد.

- **فلج اجتماعی** باعث می‌شود که افراد جامعه از ساختن یک نظام اجتماعی و اخلاقی متکامل بازمانند، و به‌جای تلاش برای خدمت، کار، و خلاقیت و ایجاد تمدن پیشرفته اسلامی در تمام ابعاد و جنبه‌های برجسته آن، به زندگی تجملی، غرق شدن در راحتی و تنبلی، و توجه به ظاهر و پوسته دستاوردها به‌جای جوهر آن مشغول شوند.

اگر بخواهیم خطر بیماری «کمال کاذب» را بر امت اسلامی مان اندازه‌گیری کنیم و میزان نفوذ آن در زندگی و فساد ناشی از آن را بشناسیم، باید به وضعیت مسلمانان امروز در هر نقطه‌ای از نقشه جغرافیایی جهان نگاه کنیم. این وضعیت به‌وضوح نشان می‌دهد که در بسیاری از این نقاط، در سطح فردی، خانوادگی و اجتماعی، درصد بالایی از عقب‌ماندگی علمی، تربیتی و اخلاقی ... و غیره حاکم است.

و این همان چیزی است که به‌وضوح توضیح می‌دهد آنچه هر یک از ما (به‌طور ضمنی و پنهانی) خود را قانع کرده‌ایم، این است که: چون ما مسلمان هستیم، پس خدا ما را دوست دارد و در نتیجه ما را نجات می‌دهد، به ما روزی می‌دهد و تمدن مورد نظرمان را بدون انجام اسباب لازم برپا می‌کند ...

حیله‌های نفسانی |

بی‌توجه به سنت‌های الهی در این جهان که هرکس بکارد، همان را درو می‌کند، و هرکس در مسیر تلاش کند، به مقصد می‌رسد، و بدون این‌ها هیچ چیزی محقق نمی‌شود!

سوم: چگونه از این ترفند خلاص شویم؟

اینجاست که به گام ضروری می‌رسیم، یعنی جستجوی بهترین راه‌هایی که به ما کمک کند تا از این ترفند‌های یابیم و از این دام نجات پیدا کنیم؛ دام و ترفندی که طی دهه‌های متمادی باعث ضعف حال و نیروی ما، سستی ایمان و اخلاقمان و عقب‌ماندگی ما از قافله پیشرفت در حوزه‌های مختلف شده است.

و گمان می‌کنم که موارد زیادی وجود دارد، اما شاید بتوانم مهم‌ترین آن‌ها را به شرح زیر ذکر کنم:

۱. تلاش مستمر در کسب علم و دانش مبتنی بر روش صحیح در حوزه‌های مختلف و معتبر، چرا که شایسته نیست که یک مسلمان در تمام عمر خود در یک سطح دانشی باقی بماند.

۲. توجه به تزکیه نفس و پرورش آن با انواع عبادات و طاعات، زیرا پذیرفتنی نیست که مسلمان فقط دارای علم و دانش باشد، بلکه باید در به‌کارگیری آن دانش‌ها

حیله‌های نفسانی

تلاش کند تا نفس خود را اصلاح کرده و به درجات بالاتری برساند، تا به مقام نفس مطمئنه دست یابد.

۳. مشارکت پیوسته در خدمت به اسلام به هر روش ممکن، و صرف وقت و تلاش برای گسترش خیر و نیکی در میان مردم از طریق روش‌های گوناگون، چرا که ورود به این عرصه کمک می‌کند تا نفس آشکار شود و کمالات و همچنین برخی از نقص‌های آن مشخص شود، و سپس بتوان به تدریج برای رفع این نقص‌ها و بهبود آن‌ها تلاش کرد.

۴. تلاش برای بی‌طرفی در قضاوت درباره درستی یا نادرستی افکار و رفتارها، چه آن‌هایی که به خودمان مربوط است و چه آن‌هایی که دیگران دارند. کسی که این توانایی ذهنی را داشته باشد، می‌تواند بیشتر بیاموزد و در زمان کمتری تجارب و مهارت‌های بیشتری کسب کند.

۵. کثرت ذکر خداوند متعال در همه حالات، تا مسلمان بتواند تمام لحظات عمر و وقت خود را با یاد خدا پر کند، خواه این ذکر با قلب باشد، یا با زبان، یا با عمل. این امر کمک می‌کند تا به کمال ایمانی و رفتاری برسد و به لطف خداوند متعال به بالاترین درجات بهشت دست یابد.

خداوند متعال می‌فرماید: **لَوْ مَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ** [زخرف: ۳۶]، یعنی: (و هر کس از یاد خداوند رحمان روی گردان شود، شیطانی را بر او می‌گماریم که همراه و همنشین او خواهد بود).

پس ذکر خداوند متعال با قلب، حالتی روحی است که در آن انسان احساس می‌کند خداوند بر اعمال و سخنان او ناظر است. این حالت منجر به دقت و تأمل در عمل یا سخن پیش از انجام آن می‌شود، و می‌توان آن را تلاشی برای اخلاص و درستی در تمام اعمال، گام‌ها و پروژه‌های کوچک و بزرگ دانست، تا این اعمال نزد خداوند مقبول و در زندگی ما و دیگران تأثیرگذار باشد.

۶. **پایداری در توبه و استغفار**، که خداوند ما را به آن در هر روز و در شرایط گوناگون شرعاً دستور داده است.

اگر به معنای توبه و استغفار بیندیشیم، درمی‌یابیم که آن‌ها اعترافی است در پیشگاه خداوند متعال به نقص و کوتاهی در حق او، چه در زمینه اعتقادی، عبادی، عملی یا رفتاری. سپس عزمی جدی برای رها شدن از هر امری عملی که با این اعتراف منافات دارد یا آن را نقض می‌کند، و پرهیز از تکرار آن در آینده.

از اینجا متوجه می‌شویم که مسلمانی که این دو دارو (توبه و استغفار) را به صورت فراوان (صدها و هزاران بار) و با علم و یقین مصرف می‌کند، به ندرت به این بیماری

حیله‌های نفسانی |

مهلک دچار می‌شود، و به‌ندرت در این دام شیطانی گرفتار می‌گردد. و حتی اگر در دوره‌ای از زندگی خود در آن گرفتار شود، به‌سرعت متوجه آن می‌شود و از آن باز می‌گردد!

از این رو، لازم است که همواره از اهل توبه و استغفار صادق باشیم تا این ترفند روانی را از بین ببریم، ترفندی که (به اشتباه و از روی غرور) ما را به این باور می‌رساند که اوضاع ما خوب است، و اینکه ما در برابر گناهان، معاصی، نقص‌ها و عیب‌ها مصون هستیم و در حفاظت کامل (دروغین) از دام‌های شیطان قرار داریم. این باور بخشی از مکر پنهان و خطرناک اوست!

یکی از مربیان درباره مکر شیطان می‌گوید: (از حیله‌های بسیار مکارانه شیطان این است که ما را قانع کند که او در زندگی ما وجود ندارد!).

و مقصود این نیست که او در دنیای واقعی و در زندگی ما وجود ندارد؛ هرگز! زیرا پروردگارمان به ما خبر داده که خداوند به او و نسلش تا روز قیامت مهلت داده است تا ما را بیازماید و امتحان کند. همان‌گونه که خداوند از زبان او چنین فرموده است: **{قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ. قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ}** [اعراف: ۱۴-۱۵]، یعنی: (گفت: مرا تا روزی که برانگیخته شوند مهلت ده. گفت: تو از مهلت‌یافتگانی).

حیله‌های نفسانی |

اما مقصود این است که (عقل‌های ما را قانع کند) که او در درون نفس‌ها و افکار ما وجود ندارد، و اینکه ما همیشه در وضعیت ایمانی و رفتاری مطلوب و کامل هستیم! با اینکه واقعیتی که در آن زندگی می‌کنیم ممکن است برعکس این باشد؛ زیرا اگر با صداقت و بی‌طرفی به خودمان نگاه کنیم، خواهیم دید که شیطان بر زندگی بسیاری از مسلمانان امروز، با نسبت‌های مختلفی، تسلط یافته است. برخی از آن‌ها به‌طور کامل (۱۰۰٪) تحت کنترل او هستند، برخی دیگر ۵۰٪، و عده‌ای ۳۰٪، تا جایی که به کسانی می‌رسیم که (بسیار دیندار) هستند؛ یعنی صاحبان علم، بصیرت، عمل و مجاهده. این افراد معمولاً در طول زمان، تعدادشان بسیار اندک است.

و در پایان این موضوع ...

بیایید از خودمان این سؤال مهم را بپرسیم:

آیا ما به نوعی گرفتار این حیله شده‌ایم؟ یا نه؟

پاسخ را، قطعاً، خودت ای خواننده عزیز، از احوال و شرایط گوناگون خودت بهتر می‌دانی.

اما اگر ای مسلمان، توانسته‌ای از افتادن در دام این حیله مکارانه شیطان نجات پیدا کنی، پس فضل و لطف خداوند متعال را شکرگزار باش، زیرا این توفیق در اول و آخر از اوست.

حیله‌های نفسانی |

با این حال، بیم آن داریم که ممکن است در (حیله شیطانی سوم) گرفتار شده باشی...!

پس، اگر تمایل داری، از تو دعوت می‌کنیم که ادامه این موضوع را بخوانی، تا مطمئن شوی که به لطف خدا از آن سالم مانده‌ای، یا بدون آگاهی و شناخت، در آن غرق شده‌ای...!

موضوع سوم: بزرگ‌نمایی یک جنبه برای توجیه وضعیت خاص

اول: تصور اسلام از جهان و زندگی:

مشخص است که اسلام برای انسان، جهان و زندگی، تصویری ویژه و خاص دارد. این تصور چنین است که مسلمان باید به آبادانی این دنیا بپردازد و برای ساختن آن در هر جهت تلاش کند و از آن به گونه‌ای بهره گیرد که موجب رضایت خداوند متعال شود، به گونه‌ای که در آن، خیر و صلاح شخصی او، میهن و امت او و به‌طور کلی کل بشریت وجود داشته باشد.

اما همه این‌ها به شرطی است که دنیا او را به بندگی نکشانند!

به این معنا که دنیا از وقت و تلاش او بیشتر از آنچه شایسته است نگیرد، و گویا دنیا هدف اصلی و غایت از آفرینش او یا اساس وجودش در این زندگی باشد!

بر اساس این تصور صحیح از دنیا، نتیجه طبیعی این تسخیر متوازن چنین است که مسلمان حقوق خداوند متعال و پیامبر صلی الله علیه و سلم را به بهترین شکل ادا کند، سپس حقوق دیگران را نیز رعایت کند، به گونه‌ای که وظایف خود را انجام دهد، از محرمات دوری کند، در طاعات پیشگام باشد، و ذکر خداوند متعال را فراوان به جا آورد، تا همواره با پروردگار و خالق خود در ارتباط باشد؛ با محبت و امید، و با

حیله‌های نفسانی |

خشیت و فروتنی، در حالی که زندگی دنیوی خود را در همه ابعاد آن با تکامل و جامعیت انجام می‌دهد.

زیرا این ارتباط قوی با خداوند متعال و آن روح ایمانی پاکیزه، مانند ترازوی دقیقی است که مسلمان با آن درستی حرکات و جهت‌گیری‌های خود را می‌سنجد. این ارتباط همچنین قطب‌نمایی است که به او نشان می‌دهد آیا در مسیر درست و رضایت‌بخش خداوند متعال قدم برمی‌دارد یا از آن منحرف شده است.

این رابطه همیشگی روحانی همچنین به او اطمینان می‌دهد که منبع اصلی شادی و خوشحالی او در پابندی به این رابطه الهی و حفظ آن معانی ایمانی نهفته است. اما دیگر چیزها، مانند داشتن ثروت، مقام، منصب یا شهوات دنیوی، تنها ابزارهایی هستند و در حقیقت، صرفاً توهمی بیش نیستند و اساس اضطراب و بدبختی بسیاری از انسان‌هایی هستند که تنها به آن‌ها وابسته شده‌اند.

دوم: نمونه‌هایی از توجیه جنبه‌های خاص

اما نمونه‌هایی از بزرگ‌نمایی یک جنبه خاص که شیطان برای توجیه زندگی در وضعیت ویژه‌ای انجام می‌دهد، بسیار است.

در اینجا سه نمونه را ذکر می‌کنیم:

نمونه اول: بزرگ‌نمایی جنبه مالی

حیله‌های نفسانی

خداوند متعال می‌فرماید: **﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾** [ذاریات: ۵۶]، ترجمه: (و من جن و انس را نیاافریدم مگر برای اینکه مرا عبادت کنند).

و همچنین می‌فرماید: **﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا﴾**، [قصص: ۷۷]، ترجمه: (و در آنچه خداوند به تو داده است، آخرت را طلب کن و سهم خود را از دنیا فراموش مکن).

بنابراین اصل وجود ما در این زندگی، با استناد به دلالت روشن این دو آیه و دیگر آیات با مفهوم گسترده‌شان، عبادت خداوند متعال، تلاش برای آخرت و آبادانی آن است؛ زیرا آخرت سرای زندگی جاودانه است. بر این اساس، هر آنچه در دنیای ما وجود دارد، از مال و ثروت، مقام و جاه، فرزندان و دیگر نعمت‌ها، باید در جهت سود رساندن به جامعه، ساختن آخرت و افزایش ذخیره اعمال صالح ما به کار گرفته شود ... نه برعکس!

این فهم درست از حقیقت دنیا و این آرمان‌گرایی اخروی، ممکن است در دل مسلمان زنده شود و اوج بگیرد؛ به گونه‌ای که نتایج نیکو و درستی به بار آورد، و انگیزه‌ای قوی برای انجام اعمال صالح فردی، و همچنین حرکتی فعال برای گسترش خیر و نیکی در میان مردم در تمام ابعاد مادی و معنوی ایجاد کند.

حیله‌های نفسانی |

اما گاهی در شرایط و زمان‌هایی دیگر، این روحیه کمرنگ می‌شود و ضعیف می‌گردد؛ در چنین حالتی، دلبستگی به دنیا و اشتغال به مال، تجارت و شغل به‌طور خودکار افزایش می‌یابد. این امر به بهای کاهش توجه به کار برای آخرت، یا دعوت به اسلام و گسترش خیر و فضیلت تمام می‌شود.

در نتیجه، کسی که به این آفات دچار شده است، ممکن است هیچ تغییر ظاهری یا نشانه بیرونی مشهودی از خود نشان ندهد.

اما یک انقلاب فکری و روانی درونی، و یک ضعف تربیتی تدریجی در او رخ داده است، در حالی که او از خطر آن آگاه نیست و به زیان آینده‌اش پی نمی‌برد.

اگر این مسلمان مورد خطاب و نصیحت دیگران قرار گیرد - زیرا معمولاً خود او متوجه وضعیت و بیماری‌اش نیست - و به او گفته شود که در او تغییری ایمانی، **ضعفی رفتاری یا دلبستگی بیش از حد به دنیا** مشاهده شده است؛ در اینجا می‌بینی که شیطان به سرعت وارد عمل می‌شود و به جای او به این سؤال پاسخ می‌دهد، تا آنچه را که در آن دچار اختلال شده است توجیه کند و وضعیتش را این‌گونه جلوه دهد که هرگز از مسیر درست خارج نشده، بلکه در راه صحیح گام برمی‌دارد.

در اینجا شیطان او را با استناد به دلایلی از خود قرآن متقاعد می‌کند...!!

حیله‌های نفسانی |

پس این مسلمان دیگر از تمام قرآن، چیزی به خاطر نمی‌آورد یا در نظر نمی‌گیرد مگر چند آیه که به او اجازه می‌دهد در دنیا، هم قلباً و هم ظاهراً، هم با روح و هم با جسمش غرق شود. مانند این آیه: **هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ** [ملک: ۱۵]، ترجمه: (اوست که زمین را برای شما رام گردانید، پس در راه‌های آن حرکت کنید، و از روزی آن بخورید، و بازگشت به سوی اوست).

و این آیه: **قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ** [اعراف: ۳۲]، ترجمه: (بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟).

و دیگر آیات مشابه این‌ها.

البته، توجه به مال و رشد دادن آن، و طلب تجارت حلال، همه این‌ها از تعالیم اسلام است.

اما سؤال این است که آیا توجه به مال، تمام اسلام است؟!

هرگز...!

این تنها بخشی مهم از دایره وسیع اسلام را تشکیل می‌دهد. ما به عنوان مسلمان وظیفه داریم که به آن به بهترین شکل ممکن توجه کنیم؛ زیرا از ما خواسته شده که

حیله‌های نفسانی |

تمدن اسلامی را با همه جوانب، خلاقیت‌ها و برتری‌های مادی و اخلاقی آن برپا کنیم.

اما **بُعد مالی** در نقشه جامع اسلام تنها حدود ۲۰٪ از کل را به خود اختصاص می‌دهد، در حالی که در برخی مواقع، وقتی این جنبه بزرگ‌نمایی می‌شود، در واقعیت به ۸۰٪ یا حتی ۹۰٪ می‌رسد!

به گونه‌ای که این فرد بیشتر وقت، انرژی، روابط و توانایی‌های ذهنی خود را صرف امور دنیوی و کسب مادیات می‌کند؛ چراکه این امر را بزرگ‌ترین دغدغه و نهایت دانش خود قرار داده است!!

سپس، تنها بخش کوچکی از وقت خود را برای تربیت خود، فرزندان و خانواده‌اش می‌گذارد و مشارکت مؤثر برای برداش کسبیدن امانت امت، مسئولیت‌های آن و رسیدگی به نیازهای مادی و معنوی جامعه را فراموش می‌کند...

بدیهی است که با چنین زمان کمی که ما در این دنیا داریم، نمی‌توان این وظایف را به بهترین شکل ممکن انجام داد!

سپس می‌بینی که او خود را قانع می‌کند که هرگز از تعالیم اسلام منحرف نشده است، بلکه دقیقاً آیات قرآن کریم را که به تلاش برای طلب روزی، تجارت و کسب دنیوی تشویق می‌کنند، اجرا می‌کند!

حیله‌های نفسانی |

ما هرگز اهمیت این جنبه را انکار نمی‌کنیم، همان‌طور که قبلاً نیز تأکید کردیم، تا مسلمان بتواند زندگی شرافتمندانه و پایداری داشته باشد.

اما در مقابل، موازین اسلام و تعالیم جامع آن هرگز نمی‌پذیرند که این جنبه (از نظر عملی و با این نسبت بالا) به ضرر جنبه‌های دیگر که مهم‌تر و ماندگارتر هستند، بزرگ‌نمایی شود!

و این قطعاً یک **حیلهٔ روانی** و مدخلی شیطانی است که بسیار پنهان بوده و بسیاری از نفوس مسلمان از خطر آن بی‌خبرند؛ زیرا از پیش، مورد تأیید بوده و حتی به خود قرآن استناد می‌کند؛ به گونه‌ای که ما را دچار این توهم می‌کند که نیازی به بررسی آن نیست!

بلکه حتی هنگام بحث درباره این موضوع، برخی به شدت خشمگین می‌شوند و این دیدگاه را به طرز شدیدی تخطئه و تمسخر می‌کنند!

این یک **نیرنگ زیرکانه شیطانی** است که انسان را متقاعد کند روشی که در زندگی دارد، یا مفاهیم فکری جزئی و ابداعی او، درست‌ترین راه ممکن است و سایر موارد (که واقعاً درست و حق هستند)، اشتباه، جهالت و نادانی به شمار می‌آیند!!

مقیاس حقیقی در این موضوع و مرجع شرعی این مسئله، همان سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم در حدیث صحیح است که فرمودند:

(چه مال خوبی است، اگر در دستان مرد صالح باشد). (صحیح ابن حبان).

پس اگر مسلمان مال خود را (حتی اگر اندک باشد، چه برسد به اینکه زیاد باشد) در جهت تأمین نیازهای اساسی خود، خدمت به دین، یاری مسلمانان، آبادانی آخرت و در نهایت قرار دادن آن در دست، نه در قلب خود (به حقیقت، نه ادعا) به کار گیرد؛ پس چه مال خوبی است و چه صاحب خوبی دارد...

اما اگر آن را صرفاً برای تکثیر، اندوختن و برآوردن شهوات شخصی خود به کار گیرد؛ پس چه مال بدی است و چه صاحب نگون‌بختی دارد!

مثال دوم: بزرگ‌نمایی جنبه اخلاقی...

ممکن است شخصی را ببینید که در بسیاری از واجبات دینی کوتاهی کرده، و به برخی از محرمات گرفتار شده است، و برای افزایش طاعات شوقی ندارد.

با وجود تمام این کاستی‌ها و نقص‌ها، خود را در پایبندی به اسلام کامل می‌بیند!

و دلیلش چیست؟ اینکه او اخلاق والایی دارد!

آیا اینگونه نیست که او به همسایگانش آزاری نمی‌رساند و به دیگران تعرض نمی‌کند؟

آیا صادق و امانت‌دار نیست؟

آیا پاکدامن نیست و مردم را چه آشکارا و چه پنهان فریب نمی‌دهد؟
آیا اینگونه نیست که وظایف شغلی خود را به بهترین شکل انجام می‌دهد؟
سپس می‌گوید:

دین چیست؟ آیا دین همان اخلاق نیست؟
آیا دین همان حسن معاشرت و آزار نرساندن به مردم نیست؟
چنان‌که از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل شده که فرمودند: (من فقط برای کامل
کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم).

بنابراین، من به بهترین نحو پیرو دین هستم!
این همان اسلام «اخلاقی» است که نمونه‌های آن امروز در میان مسلمانان زیاد
شده است. این وضعیتی است که صاحب آن را نسبت به حال خود مطمئن کرده و
رفتارهایش را با تعالیم اسلام توجیه کرده است، به گونه‌ای که او را از انجام واجبات
اساسی دین و دیگر جنبه‌های مهم مانند جنبه‌های ایمانی، علمی و دعوتی
بازداشته است.

و باز هم همان پاسخ را تکرار می‌کنیم...

حیله‌های نفسانی |

درست است که اخلاق بخشی اساسی و مهم از اسلام است، اما اخلاق به‌تنهایی اسلام نیست!

مثال سوم: بزرگ‌نمایی جنبه سیاسی...

برخی از مسلمانان از اسلام چیزی جز امور حکومت و دولت و توجه به سیاست داخلی، منطقه‌ای و جهانی نمی‌بینند. به گونه‌ای که این جنبه در نزد آن‌ها بزرگ شده و همان‌طور که واقعیت‌شان نشان می‌دهد، دین را تنها در این مسئله خلاصه می‌کنند!

بر همین اساس، جنبه‌های مهم دیگر را نادیده گرفته، یا به آن‌ها ارزش واقعی‌شان را نداده‌اند.

و به او همان چیزی را می‌گوییم که به جنبه‌های قبلی گفتیم...

درست است که امور سیاسی بخشی از اسلام است، اما سیاست به‌تنهایی اسلام نیست!

سوم: چه زمانی به نمای واقعی اسلام می‌رسیم؟

ما زمانی به نمای نزدیک‌تری از اسلام می‌رسیم که تعالیم و شریعت‌های آن را به‌صورت جامع و کامل اجرا کنیم، به هریک از اصول اساسی آن حق واقعی‌اش را بدهیم، و آن‌ها را به‌طور عملی در زندگی‌مان، با در صد صحیح و به شکلی متوازن اجرا

حیله‌های نفسانی

کنیم. همچنین ارزش واقعی‌ای را که قرآن کریم، سنت نبوی یا اصول و خطوط اساسی و تصورات منحصر به فرد اسلام مشخص کرده‌اند به آن‌ها اختصاص دهیم، نه اینکه تحت تأثیر هوس‌های پنهان و شهوات درونی مان باشیم.

تحقق این جامعیت نیازمند علمی استوار، ایمانی قوی، هوشیاری عقلی و نفسی بیدار است که همواره این شکاف نفسی (توجیهی) را مراقبت کند. چراکه ممکن است شیطان از همین شکاف به ما نفوذ کند، در حالی که ما غافل از آن هستیم. این شکاف، همان حیلۀ بزرگ‌نمایی جنبه‌ای خاص برای توجیه چیزی است که آن را می‌خواهیم، دوست داریم یا به آن میل داریم، حتی اگر با ارزش‌های جامع و متوازن اسلام به نوعی مغایرت داشته باشد.

با وجود اهمیت بسیار آن، این توازن نیز باید دقیق باشد، به گونه‌ای که انسان از لغزشی بد رهایی نیابد، تا به لغزشی بدتر بیفتد!

مثلاً ممکن است کسی تعلق به دنیا و تعاملات مالی آن را رها کند و در زهد فرو رود، اما در عوض، به انزوا یا شبه انزوا از زندگی بیفتد! یا عملاً چیزهایی را که خداوند از نعمت‌ها و امور مباح حلال کرده است، برای خود حرام کند!

یا کسی ممکن است توجه زیادی به جنبه‌های ایمانی و دعوتی داشته باشد، اما هنگام تعامل با مردم، گرفتار سخت‌گیری، خشونت و بداخلاقی شود!

حیله‌های نفسانی |

یا کسی که از پرداختن به امور سیاسی صرف نظر کند و برای آن‌ها اهمیتی قائل نشود، ممکن است به جنگ با کسانی بپردازد که به این مسائل اهمیت می‌دهند و در راستای اصلاح امور امت‌شان با علم، توانایی و تأثیرگذاری تلاش می‌کنند!

این موارد و امثال آن لغزش‌هایی زشت هستند که به اندازه آن حیله‌های ذکر شده بد هستند؛ چراکه همه آن‌ها چیزی جز اغراق، بزرگ‌نمایی و تضخیم نیستند و هیچ ربطی به دین صحیح ندارند.

پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره صاحبان این اعمال فرمودند:

(هلاک شدند کسانی که در دین سخت‌گیری کردند)، و این جمله را سه بار تکرار کردند.

یعنی کسانی که در همه امور زیاده‌روی می‌کنند، آن‌ها را بزرگ‌نمایی می‌کنند و در مسائل دین، بدون دلیل شرعی یا برهان عقلی سخت‌گیری می‌کنند.

در پایان...

شاید متوجه شده باشیم که پیروی از گام‌های شیطان، پاسخ دادن به حیله‌های مکارانه و نقشه‌های پنهان او ما را از پیروی کامل اسلام باز می‌دارد؛ به گونه‌ای که ما را وادار به ترک جنبه‌ای مهم از آن می‌کند، بسته به حیله نفسانی‌ای که او بر ما اعمال می‌کند.

حیله‌های نفسانی |

دیدیم که چگونه در اجرای عملی پروژه‌های ایمانی، علمی و تربیتی‌مان به دلیل تنها یک مانع کوتاهی می‌کنیم!

و چگونه به خاطر کمال ظاهری و دروغین، از ساختن، نقد خود و حرکت در مسیر دعوت و اجتماع بازمی‌مانیم!

و سپس چگونه به خاطر بزرگ‌نمایی یک جنبه خاص، جنبه‌های مهم بسیاری از اسلام را ترک می‌کنیم!

و خداوند داناتر است، و اوست که توفیق می‌دهد و به راه راست هدایت می‌کند.

چگونه خود را در برابر دشمنان مصون کنیم؟

پس از این بحث و گفتگوها با دلایل شرعی و استدلال‌های عقلی درباره حیله‌های پنهان نفس و نقشه‌های مکارانه شیطان...

آیا اکنون باورهای ما تغییر کرده و به خطر این دشمن آگاه شده‌ایم؟!

و آیا درک کرده‌ایم که ضرورت قطعی دارد تا تمام راه‌های ممکن را برای مصون ماندن از مکر و خباثت او اتخاذ کنیم؟

این همان چیزی است که امید می‌رود و انتظار می‌رود.

پیش از ورود به روش‌های مصون‌سازی، باید به سه نکته ابتدایی و مهم توجه کنیم:

حیله‌های نفسانی |

نخست: باید بدانیم که نقشه‌ها و حیله‌های شیطان فقط به این سه موردی که ذکر شد محدود نیست، بلکه بی‌پایان است.

دوم: جنگ او با ما و دشمنی‌اش با ما به دوره خاصی محدود نمی‌شود که پس از مدتی پایان یابد، هرگز! بلکه این جنگ دائمی است و با هر نفس ما ادامه دارد تا زمانی که روح از حلقوم خارج شود. جنگی با روش‌ها و راه‌هایی که حتی ممکن است هرگز به ذهن ما خطور نکند.

سوم: ورود شیطان به ما تنها از طریق نفس اماره به سوء صورت می‌گیرد؛ به وسیله زیبا جلوه دادن منکر، زشت نشان دادن معروف، و بازداشتن از طاعات. دلیل این امر آن است که در روز قیامت شیطان از کسانی که گمراه کرده است، بیزاری می‌جوید و اعتراف می‌کند که هیچ سلطه‌ای بر آن‌ها نداشته جز اینکه آنان را دعوت کرد و زشتی‌ها را برایشان زیبا جلوه داد و آن‌ها به دعوتش پاسخ دادند. چنان که خداوند متعال درباره شیطان می‌فرماید: **لَوْ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَن دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي**؛ [ابراهیم: ۲۲]، ترجمه: (ومن هیچ تسلطی بر شما نداشتم، و فقط شما را (به کار زشت) دعوت کردم و شما قبول کردید).

بنابراین، رهایی از شیطان و مصونیت از او دارای دو میدان مهم است...

حیله‌های نفسانی |

میدان اول: توجه به تزکیه نفس، جدیت در تربیت آن، و بالا بردن درجه صلاح آن؛ از نفس اماره به سوء، به نفس لوامه، و سپس به نفس مطمئنه.

زیرا این دشمن (شیطان) راهی به ما ندارد جز از طریق همین نفس، چرا که نفس نگهبان قلب است. اگر سطح تزکیه آن بالا رود، به اذن خداوند متعال، شیطان بر آن تسلطی نخواهد داشت.

میدان دوم: مجاهدهٔ جدی با این دشمن و پیوسته از او در امان ماندن، همراه با هوشیاری دائمی نسبت به روش‌های فریب و حیله‌های متنوع او. کسی که هوشیار و زیرک نباشد - به توفیق خداوند - به یکی از دام‌ها و تله‌های او گرفتار خواهد شد، در حالی که خود او متوجه نیست...!

اما طاعات و وسایل مؤثری که برای تزکیه نفس و در امان ماندن از شیطان وجود دارد، بسیارند...

به برخی از آنها پیشتر اشاره شد، با این حال، به دلیل اهمیت موضوع، بار دیگر آنها و موارد دیگری را یادآوری خواهیم کرد، از جمله:

۱- مطالعهٔ کتاب‌هایی که به‌طور خاص درباره راه‌های نفوذ شیطان و حیله‌های او تحقیق می‌کنند، و همچنین کتاب‌های علمی، تربیتی و ایمانی به‌طور عام. از جمله

حیله‌های نفسانی |

کتاب‌های مفید در این زمینه: (إِغَاثَةُ الْلَهْفَانِ مِنْ مَصَائِدِ الشَّيْطَانِ) نوشته ابن قیم، و (تَلْبِيسُ إِبْلِيسَ) نوشته ابن جوزی.

۲- تأکید بر اجرای کامل آن برنامه تربیتی که قبلاً ذکر شد، برای بالا بردن سطح تزکیه نفس و استقامت آن.

۳- در امان ماندن از شیطان با استفاده از (اذکار) که (پناهگاه‌های مأثوری) هستند که ما را در مقابله با این دشمن و پیروزی بر او - به اذن خداوند - یاری خواهند کرد، و آن‌ها عبارتند از:

أ- (أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يَجَاوِزُهَا بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذُرَّاؤَ وَبَرًّا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَعْجَرُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا ذُرِيَ فِي الْأَرْضِ وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ فِتَنِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، إِلَّا طَارِقًا يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، يَا رَحْمَنُ).

یعنی: (پناه می‌برم به کلمات کامل خداوند که هیچ نیکوکار و بدکاری از آن‌ها نمی‌تواند بگذرد، از شر آنچه آفریده و پراکنده و پدید آورده است، و از شر آنچه از آسمان فرود می‌آید، و از شر آنچه به آسمان بالا می‌رود، و از شر آنچه در زمین پراکنده است، و از شر آنچه از آن بیرون می‌آید، و از شر فتنه‌های شب و روز، و از شر آنچه در شب و روز ناگهانی می‌آید، مگر آنکه ناگهانی که خیری برساند، ای خدای رحمان).

ب- (أعوذ بوجه الله العظيم الذي لا شيء أعظم منه، وبأسماء الله الحسنى كلها؛ ما علمت منها وما لم أعلم، ومن شر كل ذي شر لا أطيق شره، ومن شر كل ذي شر أنت آخذ بناصيته، إن ربي على صراط مستقيم).

یعنی: «پناه می‌برم به وجه با عظمت الله که هیچ چیزی بزرگ‌تر از او نیست، و به تمام نام‌های نیکوی خداوند؛ آن‌هایی که می‌دانم و آن‌هایی که نمی‌دانم، و از شر هر صاحب شری که توان مقابله با شر او را ندارم، و از شر هر صاحب شری که تو بر پیشانی او چیره‌ای، همانا پروردگار من بر راه راست است».

۴- گفتن ذکر تهلیل صد مرتبه: (لا إله إلا الله وحده لا شريك له، له الملك وله الحمد وهو على كل شيء قدير). یکی از فواید دنیوی و فوری آن، همان‌طور که در حدیث آمده، این است: (و این ذکر سپری در برابر شیطان در آن روز برای او خواهد بود). پس بر آن مداومت کن تا قدرت روحی، شادی قلبی و توانایی مقابله با شیطان را به دست آوری.

۵- دمیدن با سوره‌های (اخلاص، فلق و ناس) هنگامی که مسلمان به رختخواب می‌رود، به این صورت که کف دستانش را جمع کرده، در آن‌ها می‌دمد و این سوره‌ها را می‌خواند، سپس هر مقدار از بدنش را که می‌تواند لمس کند، با دست‌هایش مسح می‌نماید. این عمل را سه بار انجام می‌دهد. پیامبر صلی الله علیه وسلم طبق حدیث صحیح هر شب این کار را انجام می‌داد، در حالی که او از هر شر و آسیبی

حیله‌های نفسانی |

محفوظ بود. پس ما که انسان‌های ضعیفی هستیم و در معرض شر شیطان و آسیب‌های مداوم او قرار داریم، چطور می‌توانیم از این عمل غافل شویم؟

۶- خواندن آیه‌الکرسی پس از هر نماز واجب و هنگام خواب. خداوند متعال می‌فرماید: **وَإِنَّمَا يَنْزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ** [فصلت: ۳۶]، یعنی (و اگر وسوسه‌ای از شیطان به تو رسید، به خدا پناه ببر؛ او شنوا و داناست).

۷- مراقبت بردعا کردن (با صداقت و اخلاص) با دعاهایی مشابه این، تا خداوند ما را از شیطان حفظ کند:

خداوندا از تو راهنمایی می‌طلبم برای درست کردن امورم، و از شر نفس خودم و شیطان به تو پناه می‌آورم. پاک و منزّه است پروردگار بلندمرتبه‌ام که بخشنده است. خداوندا به من رشد و هدایت الهام کن، و مرا از شر نفس خودم و شیطان حفظ فرما. خداوندا مرا از شیطان محفوظ بدار و برای او بر من هیچ راهی قرار مده.

خداوندا مرا یاری ده که به یاد تو باشم، و شکرگزار تو باشم، و عبادت تو را به بهترین صورت انجام دهم.

حیله‌های نفسانی |

۸- هر کس که احساس کند شیطان بر او تسلط پیدا کرده، دچار افکار و نگرانی‌های زیاد شده و در انجام عبادات احساس ضعف و ناتوانی می‌کند، باید از یک داروی مفید و درمانی هدایت‌شده نبوی بهره ببرد، و آن چیزی نیست جز (رقیه شرعی).

این رقیه به اذن خداوند متعال شفابخش این مشکلات است. به این صورت که مسلمان می‌تواند به‌عنوان نمونه: (سوره فاتحه، آیه‌الکرسی، سوره اخلاص و معوذتین) و دیگر آیات را هفت بار یا بیشتر تلاوت کند، سپس بر سینه، کف دست‌ها و هر جایی از بدن که می‌تواند دسترسی داشته باشد، دمیده و دست بکشد. این عمل را چند روز تکرار کند و به اذن خداوند متعال، شفا و آرامش روانی و همچنین قدرت جسمانی را به دست خواهد آورد.

سخن پایانی...

خوشبخت واقعی کسی است که خداوند پس از این آگاهی، او را به عمل و تطبیق آن، و شتاب به سوی هر خیر و نیکی و طاعت، موفق گرداند.

و محروم واقعی کسی است که بهره‌اش از علم، تنها دانش نظری و فرهنگ فکری باشد!

و درود و سلام خدا بر پیامبرمان محمد و بر خاندان و یارانش باد.
